

شکنجه گران باید در دادگاه‌های
علنی و در حضور مردم و نیروهای
انقلابی محاکمه و محکوم گردند.

کارگران و زحمتکشان
متحد شوید

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

سال دوم - شماره ۹۱

پنج شنبه ۱۱ دیماه ۱۳۵۹

۱۶ صفحه - ۲۰ ریال

شکنجه زندانیان جمهوری اسلامی را افشا کنیم

مدتهاست که مسئله شکنجه زندانیان توسط عوامل هیأت حاکمه تبدیل به موضوعی شده است که همه جا در مورد آن صحبت و بحث میشود. از اولین ماههای استقرار حکومت جمهوری اسلامی تاکنون گزارشات و دلایل مستند و کاملاً معتبر و بیشماری از جانب نیروهای انقلابی مبنی بر وجود شکنجه و گسترش آن در زندان‌های رژیم انتشار یافته است. این اسناد و دلایل عینی از یکسو و موج دستگیری و شکنجه نیروهای انقلابی و ضعیف‌تری را پدید آورده است که آنکارا را اعمال شکنجه توسط سخنگویان جمهوری اسلامی با امر دشواری بدل شده است. اکنون بسیاری از توده‌های میهن‌مان یقین حاصل کرده‌اند که زندانیان و سبزه‌زندانان انقلابی در ریدانهای حکومت جمهوری اسلامی شکنجه شده و علاوه بر زندانیهای رسمی کشور در بسیاری موارد، انقلابیون توسط ما موران رژیم زخا نه و خیابان، ویا محل کار خود ر بوده شده و در خانه‌های مخفی به شدیدترین وجهی مورد شکنجه قرار میگیرند. خلقهای زحمتکش ایران - اگر چه با ناباوری - بتدریج در می‌یابند که چگونه پس از مدتها مبارزه و تحمل صدها هزار شهید و معلول، رژیمی را بجای رژیم منفور شاه نشاندند که با توسل به همان شیوه‌های گذشته به شکنجه زندانیان سیاسی می‌پردازد. هنوز بیش از دو سال از عمر حکومت جمهوری اسلامی نمی‌گذرد، اما در این فاصله کوتاه، هر روز بر تعداد زندانیان سیاسی افزوده شده و متناسب با آن تعداد زندانیانی که شکنجه شده‌اند افزایش یافته است.
بقیه در صفحه ۲

آیت الله خمینی و مسئله دانشگاهها

وبالآخره جان کلام او این بود که "خطر دانشگاه از خطر بمب‌خوשהای بالاتر است. آیت الله خمینی بدرستی دریافته که دانشگاه سنگر است. آری دانشگاه سنگر نیروهای مترقی است که در تمام دوران سیاه پهلوی، انقلابیون بنفع زحمتکشان و علیه دیکتاتوری و امپریالیسم
بقیه در صفحه ۸

سخنرانی آیت الله خمینی در روز پنجشنبه ۲۸ آذرماه، صحنه‌ای دیگر برای افشای حاکمیت و گوشه‌ای از ترس هیئت حاکمه از کمونیست‌ها و دیگر انقلابیون را نشان داد. او گفت "دانشگاه در چنگال کمونیست‌ها و چریک‌ها و سایر ارگانهای منافق بود" در قسمتی دیگر، فحوائ کلامش این بود که دانشگاه را به سنگر تبدیل کرده بودند

جنگ و تاثیرات آن بر مبارزات کارگران

با آغاز جنگ دولتهای ایران و عراق، مبارزات اقتصادی کارگران در مهرماه فروکش نمود. در مراحل اولیه جنگ، اکثر کارگران تحت تاثیر تبلیغات دولت و زوائد آن و بر اثر ناآگاهی و شور میهن پرستی افراطی، به دفاع از سرمایه‌داران کشیده شدند. مبارزات اقتصادی کارگران تحت الشعاع جنگ قرار گرفت. سرمایه‌داران و دولت حامی آنان از موقعیت بدست آمده، سودجسته و پشت سر هم بخشناه برای تولید بیشتر، ساعت کار بیشتر و قطع مزایا و نهادهای غیره
بقیه در صفحه ۷

ادامه وابستگی به بهمانه حل بحران پیکاری

صفحه ۹

درباره تبلیغ و نقش آن

صفحه ۱۰

در این شماره

- جنگ، کارگران... و شورا
- اخبار کارگری
- فدائیان خلق چه می‌گویند
- خبرهایی از شهرهای شمال

"کمیته مرکزی"

دیروز محاکمه گروگانها
امروز تأیید آزادی آنها! فردا؟

صفحه ۸

رقما، هواداران!

با کمکهای مالی خود
سازمان را در امر پیشبرد
انقلاب یاری رسانید

تنها تسلیح توده‌ها در شوراهای انقلابی تحت رهبری نیروهای انقلابی ضامن مقابله
بهرگونه تجاوز، و برقراری صلح است

بقية الصفحه ١

تکامل مبارزه توده‌ای علیه دشمنان انقلاب، و تشدید فعالیت سازمانهای انقلابی و پیشرو از یکسو، نقض آزادیهای سیاسی و حقوق دمکراتیک توده‌ها توسط حاکمیت از سوی دیگر نشان میدهد که بتدریج شکنجه‌زندان بنیان سیاسی با مررایجی تبدیل خواهد شد. اعمال جواختناق از جانب رژیم که یکروز بهانه "مبارزه ضد امپریالیستی" و روز دیگر بهانه "جنگ با عراق" تشدید میشود، نشانه بارز آشکاری از جدائی حکومت جمهوری اسلامی نسبت به توده‌ها است. حکومتی که دست به شکنجه‌فرزندان انقلابی خلق می‌زند نمی‌تواند رژیم مردمی و مدافع منافع توده‌ها باشد... اینک پس از مدت‌ها افشاگری هیئتی بنام "هیئت بررسی شایعه شکنجه"، به دستور آیت الله خمینی و توسط آیت الله موسوی اردبیلی دادستان کل کشور با موریت تحقیق در این زمینه را بر عهده گرفته است. اما این هیئت هیچگاه "بی‌طرف" نبوده و اکثر طرفدار حزب جمهوری اسلامی هستند. حتی عنصری نظیر بشارتی (نماینده مجلس) در آن شرکت دارد که اسناد همگاری وی با ساواک قبلاً از جانب نیروهای انقلابی افشاء شده است! در نتیجه مسلماً عملکرد این هیأت و نتایج بررسی آن نمی‌تواند مورد اعتماد خلق باشد. چندین صدای لیبرال‌ها نیز در اعتراض به شکنجه‌بلند شده است و این اقدام برای اولین بار توسط بنی‌صدر در سخنرانی ایکه در میدان آزادی (روز عاشورا) ایراد نمود آغاز شد و پس از آن روزنامه‌های انقلاب اسلامی و میزبان مقاله‌های فراوانی در این زمینه چاپ رسانده‌اند. آنها از وقتیکه در رقابت با حزب جمهوری اسلامی بسیاری از امتیازات و قدرت خود را در دستگشاه دولت از دست داده‌اند، آه و ناله‌های

با کمکهای مالی خود سازمان رایاری رسانید!									
رایاری رسانید!									
رایاری رسانید!									
رایاری رسانید!									
رایاری رسانید!									
رایاری رسانید!									
رایاری رسانید!									
رایاری رسانید!									
رایاری رسانید!									
رایاری رسانید!									
رایاری رسانید!									
رایاری رسانید!									
رایاری رسانید!									
رایاری رسانید!									
رایاری رسانید!									
رایاری رسانید!									
رایاری رسانید!									
رایاری رسانید!									
رایاری رسانید!									
رایاری رسانید!									
رایاری رسانید!									
رایاری رسانید!									
رایاری رسانید!									
رایاری رسانید!									
رایاری رسانید!									
رایاری رسانید!									
رایاری رسانید!									
رایاری رسانید!									
رایاری رسانید!									
رایاری رسانید!									
رایاری رسانید!									
رایاری رسانید!									
رایاری رسانید!									
رایاری رسانید!									
رایاری رسانید!									
رایاری رسانید!									
رایاری رسانید!									
رایاری رسانید!									
رایاری رسانید!									
رایاری رسانید!									
رایاری رسانید!									
رایاری رسانید!									

اخباری چند از شوراهای اخبار کارگری

صنایع هواپیمائی

شورای این کارخانه که هیچ حرکت مهمی در جهت منافع کارکنان نداشت حتی با صدور اطلاعیه‌ای از آنان خواسته بود که از نیازهای خود چشم پوشیده و با انجمن اسلامی و مدیریت همگام شوند، نتوانست از تغییر و تحولات ناشی از جنگ دور بماند این شورا در اوایل مهرماه اطلاعیه شدیدی را در مورد بازگشتن تعدادی از افراد پاکسازی شده، خطاب به مدیریت صادر می‌کند. شورا در این بخشنامه مدیریت را به سوءاستفاده از اختیارات خود در این شرایط جنگی متهم می‌نماید. هر چند که این شورا در سنگر دفاع از همکارانش این واحد قرار ندارد، ولی در رابطه با اوجگیری تضادهای انجمن اسلامی و مدیریت از مواضع یکی به حمله علیه دیگری پرداخته است. عمق این تضادها بدانجا رسیده است که این شورا در اطلاعیه خود گفته است:

"مدیرانی که در امرشورا اخلال ایجاد نمایند با نام به کارکنان معرفی که با شناخت و معرفی آنها اولاد می در جهت یکنواخت کردن محیط کاری برداشته و ثانیاً مدیرانی را که باعث تضعیف شورا می‌گردند معرفی نماید. البته بگذریم از اینکه آنها در صورتی مدیر را افشا می‌کنند که در امرشورا اخلال نموده با این دلیل که علیه منافع کارکنان حرکت کرده است چون خودشان هم میدانند که منافعی که کارکنان با منافع این شورا دو چیز کاملاً متفاوت می‌باشد."

نوسازی هلیکوپتر

با شروع جنگ که منجر به تقویت مدیریت و انجمن اسلامی در این واحد شده بود، شورا هیچ حرکت محسوسی نداشت ولی در آخر آبانماه با روشن شدن نسبی ماهیت جنگ و تغییر ذهنیت کارکنان در این رابطه، مدیریت قدرت سابق خود را از

کارخانه کفش ملی

در آبانماه هیئت مدیره تهاجم به کل شوراهای گروه را آغاز می‌کند. آنها می‌گویند شوراها غیر قانونی هستند، چرا که مجلس هیچ تصمیمی در این مورد نگرفته است. هیئت مدیره کارخانه ابتدا به سخنان حامیان خود در حاکمیت - که اساس آنرا نیز تشکیل می‌دهند - توسل می‌جویند. اما وقتی می بینند که با این ترتیب نمی توانند همواره اهداف خویش را به پیش ببرند به حیل‌های دیگری متوسل میشوند. آنها ردیالنه توطئه‌های گوناگونی را در جهت رسیدن به خواسته‌های خود که در نهایت از بین بردن شکل کارگران و ایجاد شرایط بهتری برای استثمار آنها می‌باشد طرح ریزی می‌کنند. مثلاً در این کارخانه، هیئت مدیره ابتدا به نا بودی شوراهائی می‌پردازد که از پایگاه توده‌ای وسیعی برخوردار نیستند - هر چند که عامل سرسپرده مدیریت هم نمی باشند - مثلاً شورای یکی از شرکت‌های کارخانه که حدود ۱۲۰ نفر کارگر و کارمند را در توسط هیئت مدیره کارخانه آنچنان زندان منحل می‌شود که مورد اعتراض کارگران قرار نمی‌گیرد. مدیریت این واحد با استفاذه از مساله حق سختی کار که یکی از خواسته‌های این کارگران می‌باشد به این حیل متوسل می‌شود. آنها با بی‌شرمی تمام برای توجیه کار خودشان می‌گویند:

"ما میخواهیم حق سختی کار را بدهیم ولی شورا حاضر نیست"، و بدین ترتیب موفق به انحلال شورا می گردند. البته هر چند که این شورا خود تحرک چندانی نداشت ولی سرسپرده مدیریت هم نبود، کارگران باید توجه داشته باشند که انحلال شوراهای همواره به نفع مدیریت و سرمایه داران می‌باشد. ما باید با تاکید بر تشکیل مجمع عمومی بطور مداوم و برقراری تجدید انتخابات، نمایندگان واقعی خود را به شوراها بفرستیم و بدین ترتیب آنها را تبدیل به ارگانهای انقلابی نموده جلو هرگونه اعمال ضد کارگری درون کارخانه‌ها را بگیریم."

دست می‌دهد. بطور مثال، مدیریت که در اوایل جنگ نه تنها ساعات کار را به ۵۱ ساعت در هفته افزایش داده بود بلکه در تعطیلات رسمی هم کارکنان را وادار به کار میکرد، شورای مرکزی اخیراً موفق میشود ساعات کار را از ۳/۵ بعد از ظهر به ۳ کاهش داده و پنجشنبه‌ها نیز صورتی تعطیل شود. همچنین شورای این واحد در زمینه‌های رفاهی و آموزشی نیز گام‌های مفیدی برداشته است از آنجمله میتوان تهیه بود درختشویی، تخم مرغ، سیگار و... و همچنین کلاسهای امداد را نام برد این شورا با تشکیل گروه آمادگی حدود ۲۰۰ نفر می‌باشد به بهره گیری از بیمارستان های وزارت بهداشت به آموزش کارکنان پرداخته است. از اقدامات دیگر این شورا تشکیل کمیته‌ای برای جلوگیری از سنگ اندازیهای مدیریت و بررسی شکایات کارگرین در رابطه با آنها می‌باشد، که خشم مدیران را برانگیخته است.

شرکت امپ جلوتی

(در رابطه با تأسیسات سد لار)

در این شرکت که ۱۸۰۰ کارگر در زمینه های خاک برداری، آبرسانی و حفرتونل فعالیت میکردند، از اوایل شهریورماه تا اوایل مهر حدود ۱۰۰۰ کارگر را اخراج کرده اند در آبانماه عوامل ضد کارگر در این شرکت فعالیت خود را گسترش داده و شورای واقعی کارگران را نیز منحل می‌نمایند. آنها با جایگزین کردن شورای فرمانی خود هم چنین سعی دارند بعناوین مختلف بین کارگران اختلاف انداخته و از اتحاد آنها جلوگیری نمایند. اعتراض کارگران در رابطه با این وقایع از چندین پیش‌آغاز شده و همچنان ادامه دارد.

کارخانه مهمات سازی

در آبانماه بطور خلاصه شورای کارخانه چنین وضعیتی داشت:

در اوایل ماه مهندس ضد کارگری که بجرم قلب در برگیره بنزین ما موریت یک روزه خود قصد داشت برای ۱۴ روز بنزین دریافت کند، توسط شورا اخراج میشود. مدیریت کارخانه که برای از دست دادن یکی از عوامل خود ناراحت شده بود، با فشار مانع اخراج او شده و فرد مزبور سه هزار تومان جریمه میشود، شورای کارخانه در این رابطه بخشنامه‌ای صادر کرده، علاوه بر افشای مهندس به مدیریت نیز حمله میکند. مدیریت با پخش آن مخالفت میکند، نمایندگان برای این مساله پافشاری می‌نمایند. بحث و درگیری مجدداً اوج می گیرد. یکی از نمایندگان میگفت:

"اگر ما بخشنامه نکنیم، پیشروا علامیه

بقیه در صفحه ۶

۳۰ ساعت کار در هفته خواست همه کارگران است

جنگ، کارگران... و شورا

توطئه های حاکمیت علیه شورا های مترقی همچنان ادامه داشت که جنگ ایران و عراق آغاز شد. دشمنی با این شورا ها که توسط انجمن های اسلامی و مدیریت و غالباً با رهبری انجمن ها پیش میرفت پس از آغاز جنگ روند دیگری یافت و شورا های انقلابی توانستند برای مدت کوتاهی از زیر ضرب خارج شوند. اما محدودیکماه بیشتر نگذشته بود که مجدداً ضربات آغاز گشت و از آن پس بعدی مبرور شدت این ضربات افزوده شد و هم اکنون نیز ادامه دارد.

برای بررسی بهتر تائیرات جنگ بر شورا های کارخانه ها لازم است دودسته از شورا ها را مدنظر قرار دهیم، شورا های زرد و انقلابی تا با بررسی تغییر روند حرکت هر یک از این شورا ها تصویری هر چه عینی تر از تائیرات جنگ بر آنها ارائه داده، به تعیین وظایف آتی آنها بپردازیم. تا پیش از جنگ شورا های زرد که نمایندگان متشکله در آن آگاهان به نا آگاهان در خدمت سرمایه داری بودند، با تمام قوا میکوشیدند تا مانع مبارزه کارگران بر علیه مدیران و کارخانه داران گردند. آنها سعی میکردند تا "نظم" دلخواه را در محیط کار ایجاد کنند، و سرمایه داران نیز به استثنای کارگران می پرداختند. این شورا ها که ترکیب غالبشان یا افراد انجمن اسلامی بودند یا عوامل مدیریت میکوشیدند تا هر گونه مبارزات کارگران را نتیجه "اخلالگری" تعدادی اندک معرفی کنند و با این ترتیب کارگران آگاه و مبارزان را اخراج میکردند بخصوص در آن شورا هایی که افراد انجمن اسلامی ترکیب غالب را داشتند و تفتیش عقاید فضای کارخانه را بر میگرد.

آغاز جنگ حرکات فوق الذکر شورا های زرد را تحت الشعاع قرار داد. اکنون حاکمیت ما هیتا بورژوازی، وظیفه اصلی جدیدی را در مقابل آنان قرار میداد: تبلیغ و تهییج برای ایجاد فضائی آکنده از احساسات ناسیونالیستی و بسیج نیرو برای جنگ، جنگی که در ادامه سیاستهای دولتی ایران و عراق بوجود آمده و جنگ بین بورژوازی ایران و بورژوازی عراق بود. شورا های زرد، دوش بدوش انجمنهای اسلامی به "بسیج کارگران، آموزش ابتدائی و اعزام به جبهه" پرداختند. البته لازم به یادآوری نیست که حتی در این شرایط هم دست از تفتیش عقاید برنداشته و با تمام قوا مواظب بودند تا مبارزات عناصر مترقی و اردبسیج گردند. از طرف دیگر این شورا ها به تلاش برای فریب کارگران جهت تولید بیشتر "پرداخته و با تمام قوا برای تحقق آن، میکوشیدند. با گذشت مدت

زمانی از جنگ و اوج گیری مجدد تضادهای بین لیبرالها و حزب جمهوری اسلامی که انعکاس مشخص خود را در کارخانه ها بین دوارگان مدیریت و انجمن اسلامی به نمایش میگذاشت، این شورا ها تبدیل به کارگران جنگ این دوشو شدند. انجمنهای اسلامی از طرفی و مدیریت از طرف دیگر هر یک سعی داشتند با تسلط نیروی خود در این شورا ها به منفرد کردن دیگری بپردازند. این درگیری ها بعد از سخنرانی بنی صدر در کارخانه شورا با وج خود رسید و اکنون نیز که در جریان دعوا بر سر سهم بیشتر، زمزمه های آشتی مجددی، در ظاهر نشان میدهد درگیری درون این شورا ها نیز تخفیف یافته است. اما همچنان هر یک از دوشو سعی دارند با غلبه یافتن خود در اینگونه شورا ها آنرا تبدیل به کارخانه به ارگان اعمال اراده خود در کارخانه نمایند. ضمن آنکه هر جا با مبارزه متشکل کارگران روبرو میشوند، اختلافات خود را کنار گذاشته، با اتحاد کامل به سرکوب آنان میپردازند اما شورا های انقلابی که در آن نمایندگان واقعی کارگران حضور دارند، آنچنان خط حرکتی داشته اند که مضمون آن دفاع از منافع کارگران می باشد. این مضمون که تا پیش از جنگ در جلوگیری از اخراج کارگران، مقابله با قوانین ضد کارگری، ایجاد فضای دمکراتیک درون کارخانه و غیره... خود را نشان میداد، پس از جنگ شکل دیگری یافت. شورا های انقلابی که در هر حرکتی اساساً تشکل کارگران را مدنظر دارند، اکنون از طریق دیگری با ید در این زمینه اقدام می نمودند.

آغاز جنگ که باعث شده بود این شورا ها موقتاً و تا حدودی از تهاجم حاکمیت خلاصی یابند و بخصوص در برخورد با کارخانجات که شرایط مهیا تر بود، این شورا ها به سازماندهی کارگران پرداختند و کارگران را در کمیته های مختلف آموزش نظامی، استفاده از تیربار، امداد آتش نشانی و غیره متشکل کردند. بدین ترتیب علاوه بر اینکه کارگران آمادگی لازم جهت مسلح شدن را پیدا می کردند به تشکل مناسب برای منفرد کردن عوامل ضد کارگری می یافتند. شورا های کارگری که در اثر تهاجمات پیش از جنگ قدرت خود را تا حد زیادی از دست داده بودند اکنون آرام آرام موقعیت گذشته خود را بازیافتند. اما هنوز مدت زیادی از آغاز جنگ نگذشته بود که چاکران بورژوازی - دشمنان انقلابی - حملات خود را آغاز کردند. شورا های انقلابی مجدداً زیر ضرب قرار گرفت و همچنان بر

شدت ضربات افزوده میشد. اگر قبلاً عمدتاً انجمن های اسلامی رهبری حمله بشورا های انقلابی را در دست داشتند، پس از گذشت مدتی از آغاز جنگ، انجمنهای اسلامی و مدیریت - در دوره ای که تضاد بین لیبرالها و حزب جمهوری اسلامی تا حدی تخفیف یافته بود - هر دو با هم باین شورا ها یورش آوردند اما تهاجمات دو جناح مدت زیادی پنهان نمائند و اینبار با شدت بیشتری آشکارا شد. کم کم قدرت گیری بیشتر حزب در حکومت منجر باین شد که لیبرالها به رهبری بنی صدر و جبهه آزادیخواهی دروغین بخود گرفته و بدین ترتیب حزب را تضعیف نمایاند. در همین رابطه در اغلب کارخانه هایی که (بخصوص کارخانه های دولتی) مدیران قصد ضربه زدن به انجمن های اسلامی را داشتند، از تهاجم بشورا های انقلابی دست کشیدند حتی در برخی موارد برای منفرد نمودن انجمن اسلامی، فریبکاران خود را باین شورا ها نزدیک نمودند. همچنین اکنون که حدود سه ماه از آغاز جنگ میگذرد، به دلیل جو "ضد آخوندی" که درون کارخانه ها ایجاد شده است، خود انجمن های اسلامی نیز تا حد زیادی تضعیف گردیده اند. بطور کلی اوج گیری تهاجمات مدیریت و انجمنهای اسلامی درون کارخانه ها از یکسو و شکل گیری مجدد مبارزات کارگری از سوی دیگر پس از جنگ که علت آن ناشی از بحران اقتصادی شدید و فقر کم رشن ناشی از عواقب جنگ میباشد، نه تنها مانع تضعیف ضربات وارده به شورا های انقلابی شد، بلکه آنچنان شرایطی را ایجاد کرده اند که بیش از هر زمان دیگری زمان مناسب شکوفائی فعالیت شورا های انقلابی است. اکنون که احتمال اخراج کارگران، تعطیل کارخانه ها و... در آینده نزدیکی بسیار زیاد است، شورا ها با ید با تمام قوا به پیش بتازند. اکنون که ترس از قدرت گیری شورا های انقلابی، مدیران و انجمنهای اسلامی را مجدداً به یورش و توطئه های آشکار کننده است، شورا ها بیش از هر زمان دیگری باید به افشای تمام عوامل ضد شورایی بپردازند. تنها جم در جهت هر چه بیشتر در تمام مسائل جاری در کارخانه، تنها جم برای مقابله با خودسری های سرمایه داران و دفاع از منافع کارگران و بلاخره تلاش در جهت ایجاد هیئت های تحقیق کارگری. شورا ها به پیش.



تعطیل دور و روز در هفته گامی در جهت تأمین رفاه کارگران و
لازمه ارتقاء آگاهی آنان است

حوادث اخیر آمل

به دلیل روحیه مقاومت توده‌ها و جوئیسم مکرراتی که برای شهر حاکم بود، نیروهای سیاسی می‌توانستند آزادانه فعالیت انقلابی و آگاه‌گرانه خود ادامه دهند.

روز سه‌شنبه یازدهم آذرماه بدنبال هشدارها و اخطارهایی که از رادیو تلویزیون پخش شد، فالانژها در معیت پاسداران حمله به نیروهای انقلابی و توده‌ها را آغاز کردند. این شهر چهار ساعت "لاینقطع زیر رگبار گلوله و گاز اشک‌آور قرار داشت و برای همگان، روزهای مبارزات خیابانی توده‌ها با مزدوران رژیم مغفوری‌پهلوی تداعی می‌شد. جنگ و گریز در کوچه‌ها و خیابانها بالا گرفته بود، از گوشه و کنار شهر همچون روزهای قیام و قبل از آن صدای شلیک گلوله و انفجار گوش می‌رسید. نیروهای انقلابی تظاهرات افشاگرانه‌ای موضعی برآوردند و اخته‌بودند. جوش و خروش همگانی و اتحاد بین مردم جریان داشت در خانه‌ها باز بود تا آنها که از یورش پاسداران گریخته بودند، پناه گیرند این روز پس از ۴/۵ ساعت درگیری با مجروح شدن چند نفر و دستگیری عده‌ی زیادی توسط سپاه پاسداران به شب رسید.

اما روز بعد مادران دستگیر شدگان در فرمانداری متحصن شدند. مادری که دو فرزندش در زندان جمهوری اسلامی بود می‌گفت:

"ما گفتیم بعد از شاه نوشت آمریکا است و پس‌کو؟ مثل اینکه بعد از شاه‌نیت نیروهای انقلابی شده و مگر آسمان می‌گویند؟ مردم همه از گرانی، کمیابی، صف‌های طولیل ناراضی هستند دیگر این سرکوب‌ها را نمی‌توانیم تحمل کنیم ما آزادی می‌خواهیم."

بچه‌های ما آزادی می‌خواهند. مادر دیگری می‌گفت: "چهار فرزندم دستگیر شده‌اند. صبح به‌دادگاه انقلاب رفتم

خبرهای از شهرهای شمال

دختران بسیجی با سنگ به من حمله کردند. "این تحصن با شعارهایی مانند، "مرگ بر آمریکا، اتحاد، اتحاد علیه امپریالیسم، زندانی سیاسی میراث شاهنشاهی"، ادامه داشت. مذاکرات ادامه داشت. مذاکرات با فرماندار برای آزادی دستگیرشدگان نتیجه‌ای نداد پاسداران در ساعت ۳ بعد از ظهر با گاز اشک‌آور برای متفرق کردن مادران متحصن حمله ور شدند. ولی مادران به تحصن و اعتراض خود ادامه دادند.

روز پنج‌شنبه سیزدهم آذر دختران مبارز مدارس به جمع مادران ملحق شده و اعلام همبستگی کردند. در حدود ساعت ۱/۵ فالانژها و حزب الهی‌ها با چماق و چاقو و تحت حمایت سپاه پاسداران به متحصنین حمله کردند. درگیری به خیابانها کشیده شد. پاسداران بر شدت حملات خود افزودند مردان و زنان را از خانه‌ها بیرون می‌کشیدند و کتک زنان با خود می‌بردند. رگبار سلاح‌های پاسداران قطع نمی‌شد، همه جا شعار "مرگ بر آمریکا - مرگ بر ارتجاع - اتحاد - اتحاد" طنین افکن بود، کارگر مبارزی بنام حسین سالاری در این روز با گلوله‌ی پاسداران سرمایه به خاک و خون غلطتید و شهید شد. جنگ و گریز تا شب ادامه داشت.

سحرگاه جمعه، خانواده‌ی کارگر شهید حسین سالاری موفق شدند جسد را بگیرند. اما ساعتی نگذشته بود که پاسداران مجدداً به خانواده کارگر شهید مراجعه کرد به خانواده شهید اول پیشنهاد چهل هزار تومان و بیشتر رشوه می‌کنند، اما هنگامی که با خشم و متاع خانواده حسین سالاری مواجه

شدند بزور سر نیزه‌ها و ۳ و در میان شیون و زاری خانواده، جسد را برود و با خود بردند. این حرکت پاسداران خشم و تنفراهایی را بیش از پیش برانگیخت، در سراسر کوچه‌ها و خیابانها، تجمعیهای افشاگرانه و پر شور توده‌های زحمتکش و جوانان انقلابی برپا بود.

روزیانزد هم، دانش‌آموزان مدارس، این سگرهای همیشه تپنده و فروزان مبارزات توده‌ای نیز به حمایت از مبارزات نیروهای انقلابی و آزادی زندانیان سیاسی، متحصن شدند. شانزدهم آذر که مصادف با سومین روز شهادت حسین سالاری بود، مردم متشکل و سهم پیوسته از چندین نقطه شهر با دادن شعار، بسوی مسجدی که در مزار میاد بود کارگر شهید را رنجار می‌کردند.

درگیری در "خلیفه محله" آملش

روز چهاردهم آذر در خلیفه محله، آملش در پی حمله فالانژها به تعاونی هواداران مجاهدین خلق، درگیری روی داد. در این درگیری بر اثر تیراندازی پاسداران چند تن مجروح شدند. غروب همان روز مردم بعنوان اعتراض در برابر بیمارستانی که مجروحان در آن بستری بودند گرد آمدند. در اطلاعیه‌ای که هواداران سازمان مادر لاهیجان پیرامون این جریان انتشار داد، آمده است:

"در روز ۱۴/۹/۹۵ عده‌ای فالانژ به تعاونی هواداران مجاهدین خلق در آملش حمله بردند ولی با حمایت بیدریغ زحمتکشان منطقه از نیروهای انقلابی، مواجه شدند و وقتی خود را برابر اراده خلق ضعیف دیدند از ۳ بدستان یعنی پاسداران سرمایه کمک طلبیدند پاسداران نیز آشکارترین وجهی ماهیت ضد خلقی خود را با تیراندازی به صفوف مردم بنمایش گذاشتند. این حادثه یک شهید بنام ارد شیرخانی و تعداد زیادی مجروح بجای گذاشت. عده زیادی از

بقیه در صفحه ۶

پیروزباد مبارزات ضد امپریالیستی - مکرراتیک خلقهای ایران

خبرهای از شهرهای شمال

بقیه از صفحه ۵

نیروهای مرفی و آگاه شهرنیزد ستگیر شدند *

هواداران سازمان دررورد سرنیزد ر رابطه با وقایع "خلیفه محله" املش اطلاعیه ای انتشار داده اند که در آن ضمن محکوم کردن این فجایع ، ماهیت ضد خلقی و سیاستهای سرکوبگرانه رژیم افشا و بر ملا شده است *

آستارا

در شهرستان آستارا نیز هجوم به نیروهای انقلابی از سوی فالانژها و پاسداران جریان داشت * هواداران سازمان در اطلاعیه خود که باین مناسبت انتشار داده اند نوشته اند: "در روزهای اخیر خیابانهای شهر شاهد وحشیانه ترین تعرضات و حملات به انقلابیون از سوی نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی است چنانکه در آستارا بعد از اخراج کارگران شرکت ساختمانی سینوس ، یورش پاسداران به مدارس دخترانه صدیق رضائی و طالقانی ، دستگیری یکی از دانش آموزان دبیرستان خدمات گل سرخی و رخیان ، و دستگیری چند نفر دیگر بجرم کتابفروشی پرداختند و در مقابل افشاگری دستگیرشدگان ، به شدت با مشت و لگد و قنداق تفنگ ، به مضروب کردن آنها پرداختند و اعتراض مردم را نیز با فحش و کتک پاسخ گفتند *

لاهیجان

روز سه شنبه چهارم آذر ، فالانژها و پاسداران اخراجی از لاهیجان طبق برنامه ای از پیش طرح ریزی شده ، به ده ها و ساطی های هواداران نیروهای انقلابی در سیاهکل حمله بردند * آنها همچنین به دود رسد خترانه هجوم بردند و اطلاعیه ها و اعلامیه های افشاگرانه و انقلابی را پاره کردند *

توضیح و پوزش

در "کار" شماره ۸۳ - در قسمتی از اخبار مربوط به مناطق جنگ زده ، با اشتباه و آژ (عرب زبان) بکار رفته است ، ضمن توضیح و پوزش از این اشتباه ، متذکر می شویم که ما به حقانیت خلق عرب معتقدیم و به مبارزات این خلق هما نند دیگر خلقهای ایران ، کرد و ترکمن و ... ارجمندیم .

خبرهای چند...

بقیه از صفحه ۳

میدهد آنوقت نه چیزی برای تویا قی می ماند و نه چیزی برای ما * همچنین در این کارخانه بخشنا مه ای از طرف وزارت دفاع در مورد تنبیهات و تشویقات آمده بود که مورد اعتراض کارگران و شورای آنها قرار میگیرد . آنها می گفتند: "این بخشنا مه با بخشنا مه های دوره طاغوت هیچ فرقی ندارد" و بالاخره در انتخاباتی که در آخر ماه آبان برای شورا صورت گرفت ترکیب عناصر ضد کارگری کمتر از قبل شده است *

شرکت ان.آی.سی.

(طرح توسعه تلفن تهران)

شورای انقلابی این شرکت که پیش از جنگ مدیریت واحد را بدست گرفته بود در برابر توطئه های شرکت مخابرات و دیگر دست اندرکاران تاب مقاومت نیاورده و از بین می رود . با آغاز جنگ و گذشتن حدود یکماه از آن ، مساله ایجاد دشوار مجددا در این شرکت مطرح میشود . کارگران قسمت کابل سازی با تلاشهای خود موفق میشوند شورای واقعی خود را ایجاد نمایند . مسئولین شرکت مخابرات که مخالف این مساله بوده و به هیچوجه نمی توانستند جلو آنرا بگیرند ، به توطئه دیگری متوسل شدند . آنها تمام سرپرستان قسمت ها را جمع کرده و میگویند: "ما میخواهیم از اینجا برویم" شما باید اداره شرکت را بعهده بگیرید . آنها بدینوسیله قصد داشتند از طرفی سرپرستان ها را به مبارزه مستقیم برای انحلال شورا بکشانند و از طرف دیگر اگر موفق

نشندند با همصدا کردن تعدادی از آنها با خود ، شرکت را تعطیل کنند و کار را به اینجا بکشانند : یا شورا یا تعطیل شرکت . کارگران شروع به اعتراض کردند . شورا نیز به مخالفت پرداخت .

جنگ افزار سازی

در تاریخ پنج آذر ماه شورای کارخانه جنگ افزار سازی کارگران را به یک جلسه فراخواند و در مورد طرح کشوری که کارگران توضیحاتی داد شورای اسلام داشت که مدیریت با این طرح موافقت نموده است . لازم به توضیح است که نمایندگان شورا که اغلب از اعضای انجمن اسلامی و طرفدار حزب جمهوری اسلامی هستند با مدیریت که طرفدار لیبرالهاست در تضاد میباشند . کارگران در این جلسه به این امر اعتراض داشتند آنها اظهار میکردند چرا شورا قبل از کارگران را در این جریان قرار نداده است و اساسا چرا تصمیمی در مورد کارگران گرفته شده بدون آنکه از آنها نظرخواهی شود ؟ کارگران مدیریت را برای جوابگوئی احضار کردند ، لکن چون مدیریت کارخانه به آلمان مسافرت کرده بود ، کسی برای جوابگوئی حاضر نشد . روز پنجشنبه ششم آذر ماه کارگران مبارز کارخانه های و دست به اعتصاب زدند . شورا و مدیریت به دست و پا افتادند و بالاخره مدیر عامل صنایع دفاع طی بخشنا مه ای مساله فوق را منتفی شده دانست . کارگران مبارز جنگ افزار سازی یکبار دیگر در عمل این واقعیت را تجربه کردند که تنها اتحاد آگاهان آنها قادر است در هر مبارزه ای آنها را به پیروزی برساند . اکنون نیز کارگران مبارز جنگ افزار سازی خواهند کوشید تا با انتخاب نمایندگان واقعی خویش اقدام به ایجاد شورائی نمایند که از حقوق و منافع آنها دفاع کند . (نقل از خبر نامه صنایع دفاع)

جنگ و تأثیر آن بر مبارزات...

بقیه از صفحه ۷

کارخانه قند نیسابور

در این کارخانه ، دو گروه کارگران دائم و موقت کار می کنند کارگران دائم هرپا نزده روز یکبار حقوق خود را دریافت می کنند . مدیران کارخانه پس از گذشت ۱۲ روز از موعد مقرر حقوق کارگران موقت را نمی دهند . روز ۵۹/۸/۱۱ کارگران موقت در فاصله نیم ساعت استراحت دست از کار کشیده به دفتر کارخانه می روند آنها خواستار حقوق عقب افتاده خود می شوند کارگران تهدید می کنند در صورت عدم پرداخت حقوق به سرکار نخواهیم رفت مدیران کارخانه برای اینکه جریان به همه قسمتهای کارخانه سرایت نکند قول می دهند حقوق آنها فردا پرداخت شود . کارگران فردای همان روز موفق به دریافت حقوق عقب افتاده می گردند .

کارخانه ایران والونو

عدم پرداخت حقوق مهرماه و سوز ویژه ، زمینه های اعتراض رادرمیان کارگران بوجود آورد . کارگران نزد کارفرما رفتند و قول داد که حقوق مهرماه را پرداخت کند ولی در مورد سود ویژه گفت نمی دانم چه می شود ! حقوق مهرماه در ۲۲ آبان پرداخت شد اما کارگران اعتراضشان در مورد سود ویژه بالا گرفت یکی از کارگران در برخوردش به کارفرما می گفت " به بهانه کمک به جنگ غذای ما را قطع کردی ، به بهانه کمک به جنگ شیر ما را قطع کردی حقوق ما را دیروز پرداختی ، اضافه کار و اضافه تولید ما را قطع کردی همه اش به بهانه جنگ ، حالا بگو خودت چه کمکی کردی ! " کارگران دیگری گفت " نه را که نمی دهی ، سود که نمی دهی فقط می گوئید تولید بیشتر ، انگار تمام کارگران را گروهی بکن گرفته اید " .

جنگ و تأثیرات آن بر مبارزات کارگران

کارخانه چیت تهران (بافکار)

طرح طبقه بندی مشاغل یکی از مواردی است که کارگران خواهان اجرای آن شدند.

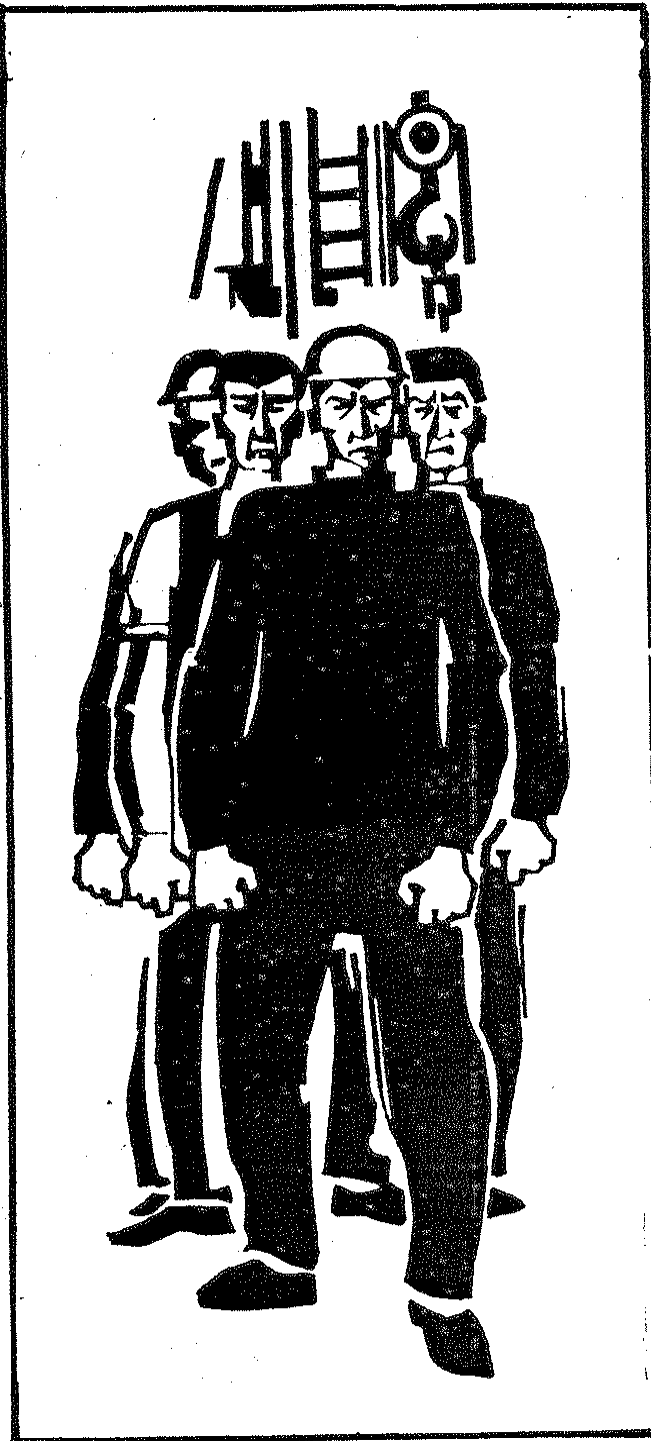
شورای کارخانه هیچگامی در این جهت برنداشته است. آقای عرب به اصطلاح نماینده کارگران!! در مجلس خبرگان دست در دست مدیرعامل تاکنون در تمامی موارد در مقابل کارگران ایستاده و از منافع سرمایه داران دفاع کرده است. ۷۰۰ نفر از کارگران این کارخانه که مشمول بازنگشتگی هستند ضمن اعتراض به عدم اجرای طرح طبقه بندی به دفتر مدیرعامل و شورای رفته و خواهی گرفتند. در همان هفته تعدادی دیگر از کارگران نیز به دفتر رفته و خواستار اجرای طرح طبقه بندی شدند و آن ماه به التفاوت از سال ۵۲ به بعد را مطالبه کردند. مدیرعامل دفتر را بسته و کارگران را پذیرفت. مبارزه کارگران در این موارد ادامه دارد.

کارخانه بایر

در این کارخانه تعداد کارگران زن زیاد است. دایر کردن مهدکودک یکی از خواسته های برحق کارگران و کارمندان زن می باشد. سندیکا در مقابل کارگران قرار گرفته و مدعی شده است که دایر کردن مهدکودک غیرقانونی است! کارگران و کارمندان زن ضمن اعتراض در سالن کارخانه نشسته خواهان ایجاد مهدکودک از مدیریت کارخانه شدند. اطلاعیه جدیدی در کارخانه در همان اثنای نصب شد مبنی بر اینکه بجای سود ویژه به کارگران دومسأه حقوق بدون مزایا تعلق میگیرد. کارگران یک قسمت ضمن اعتراض خواستار تنفیذ این قانون شدند یکی از کارگران می گفت "خوبه سربازها تو مرز می جنگند و کشته می شوند، سود ویژه ما تو جیب کارفرما می رود تا ما هم حرف می زنیم می گویند جنگ است!". کارگر دیگری می گفت "چرا همه قوانین در زمان جنگ بر علیه ما کارگران تصویب می شود یک قانون هم بر علیه سرمایه داران در این مدت وضع نشده است!"

بفیه در صفحه ۶

گرفت آنها برای بزان سود آوردن کارگران در کارخانه را بسته و کارخانه را تعطیل اعلام می کنند کارگران خود مستقلا دست به اقدام زده و در کارخانه را باز می کنند به این ترتیب توطئه آنها خنثی می گردد. سپس نماینده دادستان مجبور به عقب نشینی می شود و می پذیرد که کارخانه ۱۰ میلیون تومان سود داشته است ولی او پرداخت سود به کارگران را غیرقانونی می خواند. کارگران در قسمت حمل کارخانه دست از کار کشیدند اما کارگران با صحبت های نماینده مورد اعتماد خود دایر برای یکه ابتدا بایستی شورای واقعی را تشکیل دهیم و سپس سود را بگیریم بمرکارشان برگشتند.



صا در کردند. اما هر روز که از این جنگ خانمان برانداز می گذرد. کارگران بیش از پیش به ماهیت جنگ پی می برند و در می یابند که جنگ تنها به سود سرمایه داران ایران و عراق و امپریالیستها است و هر روز که می گذرد تبلیغات هیئت حاکمه بی اثرتر گشته و رنگ می یابد. اکنون تمامی مصائب ناشی از جنگ، بیکاری، گرانی و قوانین ضد کارگری و مالیاتهای جدید بردوش کارگران و سایر زحمتکشان سنگینی می کنند در حالیکه پول تسلیحات به جیب سرمایه داران و امپریالیستها میرود و تجارت بزرگ با زار با احتکار ما یحتاج مردم پول بیشتر می یابد. به جیبهاشان سرازیر می کنند اما هیچگونه قوانینی بر علیه آنها وضع نمی شود چرا که دولت حامی منافع آنان است.

اکنون کارگران خود در تجربه روزمره در می یابند که جنگ به سود سرمایه داران و به زیان کارگران و زحمتکشان است. به همین دلیل دیگر کمتر فریب سرمایه داران را می خورند. از او آخر مهر ماه حرکات و مبارزات اقتصادی کارگران روبه گسترش نهاده است موج جدیدی از مبارزه آغاز گردیده و دیگر نمی توان به بهانه جنگ، حقوق اولیه کارگران را زیر پا نهاد. اعتراضات از شکل فردی و پراکنده به جمعی تبدیل می شود و از درون همین مبارزات است که نطفه های اعتراضات سیاسی کارگران علیه جنگ در حال تکوین است.

گزارشات زیر نمونه کوچکی از اعتراضات و مبارزات کارگران از او آخر مهر تا نیمه اول آبان ماه می باشد.

کارخانه ارج

با افشای یکی از نمایندگان مترقی کارگران در شورای اکثربراینگه تکلیف ۱۰ میلیون تومان، بود چه شده است؟ نمایندگان ضد کارگرشورا هم دست با مدیرعامل کارخانه منکر ۱۰ میلیون تومان سود می شوند آنها قبلا به کارگران گفته بودند که کارخانه ۶۰-۵۰ میلیون تومان ضرر کرده است اعتراض کارگران نسبت به نمایندگان ضد کارگر و مدیرعامل بالا گرفت نماینده ای از سپاه پاسداران و دادستان انقلاب برای فرونشاندن اعتراض کارگران به کارخانه آمدند آنها هم منکر سود می شوند اما مبارزات کارگران اوج بیشتری

رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی
دمکراتیک خلقهای ایران است

"کمیته مرکزی" دیروز محاکمه گروگانها! امروز تائید آزادی آنها! فردا...؟

موکول به اجرائ شدن چهار شرط پیشنهادی مجلس شورا توسط امپریالیسم امریکا دانسته و مینویسند:

هرکس که عقل سلیم و منطق و مصالح انقلاب را ملاک قرار دهد خواه یافت که شرط محاکمه و آزادی گروگانها هیچ چیزی خارج از چهار چوبه ۴ شرط پیشنهادی امام خمینی نمیتواند باشد، این شرایط نه تنها از موضع ضعف نیست بلکه مشخصا "حاکمی از آنست که جمهوری اسلامی ایران حاضر نیست به فشارهای امپریالیسم امریکا تن دهد".

البته کمیته مرکزی این نتایج مشع را نه از روی ملاحظیات اپورتونیستی! خود بلکه حتما از روی واقعیات ملموس جا معه نتیجه گرفته است!

با زهم خواننده ساده دل ممکن است تصور کند که اگر چهار شرط پیشنهادی دشه توسط جمهوری اسلامی مورد قبول امریکا واقع نشود، گروگانها قطعا محاکمه خواهند شد و اگر نشوند این امر مورد اعتراض کمیته مرکزی واقع خواهد شد. ولی ما از پیش خیال این خواننده را راحت کرده و با اطمینان میدهیم که اینبار نیز چنین انتظاری از اپورتونیستها، انتظار بیجائی است و بقول لنین:

"سیاست رویزیونیستی عبارتست از تعیین روش خود از واقعهای تا واقع دیگر، تطبیق حاصل کردن با حوادث روز و با تغییرات وارده در جزئیات سیاسی، فراموش کردن منافع اساسی پرولتاریا و..."

● ● ● ●

بخوا هدیه خواست توده ها و به خواست انقلاب توجه کند باید از محاکمه جاسوسان جنایتکار امریکا و محاکمه امپریالیسم امریکا حمایت کند.

"ارگان سراسری" چنان از ضرورت بقید و شرط محاکمه جاسوسان سخن میراند که خواننده ساده دل تصور میکند که اگر گروگانها در آینه محاکمه نشوند این مسئله مورد اعتراض و افشاکری این "ارگان" قرار خواهد گرفت. ولی با کمال تعجب در سرمقاله شماره ۸۳ مشاهده میشود که اپورتونیستهای ما که در عرض دو ماه گذشته تکرار شده اند! بجای اعتراض به عدول ر محاکمه گروگانها و افشاکری نسبت به عقب نشینی حاکمیت با تیت در رشت مینویسد:

"علیرغم نارسائیها و ابهامات، تصمیمات مجلس در باره گروگانها با مصالح انقلاب انطباق دارد" (تاکید ها از ما ست)

واقعا مصالح انقلاب چیست؟ آیا مصالح انقلاب با اجرای چهار شرط مجلس شورا تا مین میشود؟ و یا بزعم "کمیته مرکزی" رفع اختلاف بین امپریالیسم امریکا و برقراری مجدد روابط خارج شدن از تحریم اقتصادی با مصالح انقلاب انطباق دارد؟ مگر دست اندرکاران حکومتی فتوا نمیدانند که "ما رابطه با امریکارا میخواهیم چه کنیم" و اکنون چه شده که برقراری روابط با امپریالیسم و تقاضای رفع تحریم اقتصادی از امپریالیستها با مصالح انقلاب انطباق پیدا کرده است!!

اپورتونیستها که پایه پای حکام جمهوری اسلامی از مواضع خود عقب نشینی میکنند این بار در شماره ۸۳ ارگان خود شرط محاکمه گروگانها را

هر روز که میگذرد دگمهای "کمیته مرکزی" در جهت دوری از آرمان پرولتری و نزدیکی به بورژوازی سائیده میشود ولی از سایش دگمهای سران جمهوری اسلامی که "کمیته مرکزی" در کار ۳۵ وعده داده بود! نه فقط خبری نیست بلکه روز بروز محکمتر نیز میگردد. واقعه سفارت آن بستر مناسبی بود که اپورتونیسم "کمیته مرکزی" بر آن آشکار شد و هر قدر که حقایق روشنتر میشود و توهم توده ها میریزد، اپورتونیسم هر اسناک دستاویزی تازه میجوید تا چند صباحی بیشتر دوام یابد. اپورتونیستها که در هر تندپسج تاریخی یکبار با مغز بزمین میخورند خشمگین از آنچه بر سرشان آمده، کورمال کورمال جنگ می اندازند تا بندبازی را از نو آغاز کنند.

اشتباه "کمیته مرکزی" در رابطه با گروگانها آن بود که می پنداشت مدت ها میخواند بر دیوار سفارت تکیه زندا ما پی نبوده بود که حرکت پرشتاب سیلاب جا معه دیوار ترک خورده را فرو خواهد ریخت و از پشت آن حقایق معلوم خواهد گشت.

برای نمایان شدن گوشه ای از سیاست اپورتونیستهای "کمیته مرکزی" مانونه ها ئی از برخورد آنها به مسئله گروگانها را از دو شماره "ارگان سراسری" که با فاصله زمانی دو ماه نوشته شده می آوریم: "ارگان سراسری" در شماره ۷۶ در سرمقاله اش تحت عنوان با بدجا سوسان امریکائی در پیشگاه خلق محاکمه شوند مینویسند: "تردید و ممانعت در محاکمه گروگانها بدون شک به سود امپریالیسم و به سود لیبرال ها و دیگر مخالفان مورد حمایت امپریالیسم است" (تاکیدها از ما ست) و در جای دیگر مینویسد: "مجلس شورای اسلامی نیز اگر...

در آن به نبرد پرداختند. دانشگاه همان سنگری است که فرزندان دلیخ خلق مبارزات کوبنده خود را علیه رژیم شاه مزدور و امپریالیسم از آنجا آغاز کردند. آیت الله خمینی این مساله را تازه دریافته و به بنی صدروسا لیر لیرالها هشدار می دهد که شما ها شمسیا سی ندارید. غافل از اینکه بنی صدروسا گذشته شعارتعطیل دفا ترسیاسی دانشجویان در دانشگاه را میداد و در همان تاریخ این شمسیاسی را بکار بستند و تحکیم قدرت دولت را بر روی خون تازه ریخته شده شهدای دانشگاه جشن گرفته بود!

آیت الله خمینی در قسمت دیگر سخنرانی خود میگوید "آیا حمیدی زمان رضا خان که بسیاری از رجال این مملکت را او با آمپولش کشت آنهم از دانشگاهها تخصص هم داشت" او برای اینکه جریانات انقلابی دانشگاه را تخطئه کند به هر خاطره و داستانی که شنیده است (چه راست چه دروغ) دست می یازد. او پزشک احمدی جلاد رضا خان که عامل قتلدهها کمونیست و انقلابی (نه بقول آیت الله "رجال") در زندان های رضا خان بوده است را به تنگ متخصص تحصیل کرده در دانشگاهها

آیت الله خمینی...

میخوانند! بهتر است برای شناختن این فرد به کتاب تاریخ و نشریات مراجعه کنیم، درمی یابیم که "پزشک احمدی" نه پزشک بود و نه پزشک یا روتنها رابطه او با عالم پزشکی این بود که او چندین درم شهد به دار و فروشی اشتغال داشت و چون جانی و آدمکش خوبی بود بسمت پزشک زندان منصوب گردید، "وی از تمام لوازم و اسباب طبیبی یک کیف کوچک داشت و یک انژکسیون بزرگ و از لوازم زهد و تقوی تسبیحی همیشه بدست و کتابچه کوچکی در بغل که کتاب دعایش بود..." با این تعریف معلوم میشود که این جلاد رضا خانی علاوه بر اینکه تخصص مورد دلخواه جناح آقای بنی صدر را دارا بوده:

(چون تیمسار فلاحی و سایر امرا ارتش و سایر اکیها که تخصص در سرکوب مردم و ضدیت با انقلابیون دارند و مورد حمایت بنی صدروسا لیر لیرالها هستند) و تقوی و مکتبی بودن مورد نظر جناح حزب جمهوری اسلامی و حامیانش را! (از نظر تظا هر به تقوی و سرسپردگی بمنافع سرمایه داران)

لیکن آیت الله خمینی و بنی صدر هر دو از یک چیز میترسند و آن این است که در این جوان انقلابی دانشگاه سنگردفاع از زحمتکشان است و بهترین توصیف را - آیت الله خمینی از موقعیت دانشجویان انقلابی (علیرغم خواست خود) داد. آری دانشگاه خطری بالاتر از خطر بمب خوشه ای علیه امپریالیسم و پایگاه داخلی دارد. بالاتر از صدها بمب خوشه ای آن آگاهی است که کمونیست ها و سایر انقلابیون تاکنون بمیان توده ها برده اند. جناح حزب جمهوری اسلامی و حامیان آن، یک چیز را نمی دانستند و آن این بود که با بسته ماندن در دانشگاه نمیتوان جلوا نفجا را بین بمب را گرفت لیکن لیبرالها میخواستند این بمب را در دانشگاه نگه دارند و لی با "تخصصی" که داشتند آنرا خنثی کنند، آنها میخواستند دانشجویان دولتی دفا تر دانشجویی نباشد آنها اتاق کوهنوری را و هر مرکز تجمع انقلابی را میخواستند از دانشجویان بگیرند و در عوض دانشجویان را هم در کلاسهای در بسته به درس خواندن مشغول نمایند تا بمیان توده ها نروند. اکنون بقیه در صفحه ۹

ادامه وابستگی، به بهانه حل بحران بیکاری

در شماره های ۴۲۷ و ۴۲۸ روزنامه جمهوری اسلامی تعداد بیکاران آشکار را ۵۵ هزار نفر اعلام می دارد، او که ضمن این مصاحبه نا آگاهی کامل خود را از ابعاد مسئله نشان می دهد، برای حل مسئله دوراه حل عمده ارائه می کند: "مقداری از این مشکل به وسیله طرحهایی که به شکل تعاونیها... حل گردیده است... (اما راه اساسی مسئله) به تحرک در آوردن و بسط تعاونیهاست که اگر خوب اقدام شود می تواند زمینه برچیدن بساط سرمایه داری بزرگ شود... و راه دیگر برای انداختن کارخانجات و کارگاهها و زمینهای راکد است... (باید) این کارخانجات متوقف مانده را بگیرند و با فرستادن مدیران را به حرکت در آورند."

در مورد راه حل اول، یعنی ایجاد شرکتهای تعاونی به وسیله بیکاران تحصیل کرده علاوه بر جنبه های مختلف اقتصادی - اجتماعی مسئله که قبلا در نشریه کار متذکر شدیم، کافی است بگوئیم که این راه حل عملاً "وتاکنون" به اذعان منابع رسمی فقط برای ۲۰ هزار نفر کار ایجاد کرده است و این راه حل اعجاز آمیز اثرات خود را آشکار کرده! می ماند راه حل دوم که عبارتست از به کار انداختن صنایع متوقف شده موجود. به یاد داریم که علیرضا اسپهبدی وزیر سابق کار در دولت تشکیل شده توسط شورای انقلاب سابق، در پاسخ این که برای حل مسئله وابستگی چه خواهید کرد با صراحت خاص لیبرالها می گفت مسئله ما مسئله بیکاری است و تا این حل نشود نمی توان برای وابستگی فکری کرد. او خیال همه را راحت کرده بود و اکنون وزیر غیر...

حتی سیاستمدارانی که می گفتند فقط به اسلام می اندیشند و به اقتصاد کاری ندارند، زیر فشار ابعاد مختلف بحران اقتصادی - اجتماعی مجبورند از برج عاج مکتبگرائی پائین بیایند و راه حلهایی برای مسائل بحرانی جامعه ارائه دهند. بیکاری از این جمله مسائل است و رجائی، نخست وزیر رژیم جمهوری اسلامی درباره آن می گویند که "بیکاری آتش زیر خاکستر است!" وی در سخنرانی در جمع استادان کشور شناخت خویش از ابعاد مسئله را نشان داد. وی بیش از همه چیز به این می اندیشد که مبادا بیکاران به راهپیمایی دست بزنند و برای دولت گرفتاری بوجود آید "می گوید" باید قبل از آنکه (مسئله) به صورت راهپیمایی عرض وجود کند و حالتها دیگری (!؟) را پیدا کند برای آنها (بیکاران) راه حلهای مناسبی ارائه شود. وی به جای آن که هر بیکار را - نماینده یک خانواده گرسنه به حساب آورد که جامعه باید برای او کار فراهم سازد، بیکاران را ممل و مزاحم حیات سیاسی رژیم جمهوری اسلامی می شناسد. دست کم رجائی واقع بین تر از اسلاف خویش است (زیرا آنها وجود بیکاری را انکار می کردند) و "مسئله" را تشخیص می دهد. اما جالب تر از "تشخیص"، در عین آن است به نظر او باید بیکاری را که ریشه های عمیق در بحران مزمزم خا می دهد از ریشه ها نبرد: "باید... (بیکاران) در کارگاهها و کارخانجات تحت آموزشهای حرفه ای قرار گیرند و برای این مدت به آنها دستمزد پرداخت کرد پس آنها را به بازار کار فرستاد." به عبارت دیگر برای حل بیکاری از بحران سیاسی ناشی از بیکاری باید دست بیکاران را موقتاً به جایی بند کرد، سپس... آنها را به کدام بازار کار فرستاد؟ آیا دولت مکتبی نقشه ای برای آباد کردن دارد؟ به نظر می رسد آقای رجائی فکر می کند مشکل بیکاران در این است که آموزش حرفه ای ندارند و به این جهت جذب بازار کار نمی شوند! اما "راه حل" های قدرتمندان برای مسئله بیکاری محدود به همین نیست. وزیر کار که با تخصص قهر نیست، به کمک یک دکتر متخصص امور اشتغال (!!) راه حلهایی ارائه می کند که بخوبی ما هیئت مکتب آفایان را فاش می کند. محمد میر محمد صادقی، رمما حبه مطبوعاتی مندرج

لیبرال و مکتبی همان پاسخ را تکرار می کند: "تلاش خواهیم کرد تا کارخانجات متوقف شده را فعال کنیم" و اساساً صحبتی از وابستگی این صنایع به میان نمی آید. گویا اشکال آن موسسات و کارخانجات فقط هویت "طاغوتی" و مالکان آنها بودند و وابستگی و روابط تولید... او حتی به خود زحمت نمی دهد مانند لیبرالهای روزنامه کیهان از "تغییر خط تولید" صحبت کند. نه، مسئله او، حداکثر، جایگاه کردن افراد است و نه تغییرات مناسبات سرمایه داری وابسته که آن "افراد" وابسته ایجاد کرده اند و این حکومت در پی تحکیم و محافظت از آنهاست. (برای رفع هرگونه شبهه در مشابهت های اقتصادی این حکومت مکتبی و آن حکومت لیبرال به این تکه از سخنان وزیر کار توجه کنید: "مشخص نبودن مسئله مالکیت (بهره کارخانجات...) برای ما تولید اشکال کرده است ما امید داریم که مجلس شورای اسلامی زودتر به این مسئله رسیدگی نماید." به یاد داریم که لیبرالها هم همیشه از همین شخص نبودن حرمت مالکیت می نالیدند!

به موضوع بیکاری باز گردیم و راه حل های داهیانه وزیر کار مکتبی دولت عدلیبرال! ایشان هم مانند مسئولان پیشین و کنونی چیز دیگری جز ادا مسئله وابستگی به عقلش نمی رسد و شدت بیکاری (که به مراتب بیشتر از ۵۵ هزار نفر است، ولی نه مکتب اجازة افشای آن را می دهد و نه تخصص!) بهترین بهانه است برای از یاد بردن مسئله وابستگی. شاید وزیر کار ساده لوح تر از آن باشد که ما گمان می کنیم، زیرا در مورد ادا مسئله فعالیت همان کارخانجات متوقف شده هم، به نظر او مشکلا، فقط در پیدا کردن مدیری دلسوز است، او گویا اواز انبوه مشکلاتی که بر دوش این کارخانجات وابسته وجود دارد، بکلی بیخبر است و یا خود را به نفهمی می زند. از اینها گذشته گویا بگمان ایشان زمانی که آن موسسات مشغول کار بودند، یعنی در دوره رژیم مسز دور شاه، بیکاری به انواع مختلف آشکار و پنهان خود وجود نداشت.

به هر حال، نیت وزیر کار هر چه باشد، حاصل عمل روشن است: حفظ و تشدید وابستگی، منتهی به بهانه حل مسئله بیکاری!

آیت الله خمینی...

پیام از صفحه ۸

هم وقتی لیبرالها صحبت از بازگشایی دانشگاهها میکنند در نهایت دانشگاههای کنترل شده زمان شاه را در نظر دارند. دانشگاهی که هرگونه تشکل دمکراتیک و سیاسی در آن موقوف شود و جدا از مسائل توده ها و ناتوان از تماس با آنها باشد. بگذار جناح های مختلف حاکمیت به یکدیگر درس سیاست بدهند! اما دیگر هیچ سیاستی (نه تخصص طلبی و تظا هر چه آزادیخواهی این و نه انحصارگرایی مکتبی بودن آن) قادر نخواهد بود جلومسیر تاریخ را سد کنند. حاکمیت ناچار است که دانشگاهها را

از وضعی که در مدارس با آن روبرو است نخواهد داشت. زحمتکشان میهن ما بعد از شنیدن دو سال لاف و گاف از حاکمیت سرمایه داران هر روز با فحاشی و فقر بیشتری روبرو گردیده اند و دسته دسته به ما هیئت ضد خلقی هر دو جناح اصلی حاکمیت آگاهی یافته اند. روز بروز بیشتر به صداقت کمونیست ها و درستی راهشان معتقد خواهند شد. آنها درمی یابند که تنها حکومتی قادر است که به مشکلات مردم پاسخ گوید و شعرا را استقلال، کار، مسکن، آزادی را تحقق بخشد، صلح و رفاه را به میان جامعه بیاورد که از میان رفته ها و شورا های آنها جوشیده باشد. حکومتی که نه تنها به تحقیر دستاوردهای جنبش دانشجویی نپردازد، بلکه از تجارب آن استفاده کرده و در مقابل آنرا عمق و توان بیشتری بخشد.

با زکند، حاکمیت برخلاف ادعای آیت الله خمینی از این نمی ترسد که دانشگاه امثال شریف اما می بیرون بدهد، چون دهها نمونه از شریف اما می ها را مانند قطب زاده، یزدی، چمران، صادق طباطبائی، فخرالدین حجازی و... در خدمت دارد، و از پرورش کمونیست ها و دیگر انقلابیون در دامن دانشگاه میترسد. او دانشجویانی می خواهد که برده و از آنچه را سرمایه داری با و حقنه میکنند بگوش بگیرد و پس از پایان تحصیل کمربند نوکی سرمایه داران ببندد (همان کاری که شریف اما می ها کردند)، در سیاست جز به حمایت از حاکمیت وارد نشود و خلاصه یا "متخصص" از دید جناح بنی صدر و شرکا و یا "مکتبی و متعهد" از نظر حزب جمهوری اسلامی و حامیانش باشد. لیکن در بازگشایی دانشگاهها حاکمیت موقعیت و موفقیتی بهتر و بیشتر

دربارهٔ تبلیغ و نقش آن

هر انحراف در تبلیغ گامی بسوی جدائی از توده‌ها

در رابطه با تبلیغ، علاوه بر چند انحراف مشخص که در ضمن مقاله‌ها اشاره شد (از جمله عدم انتخاب زبان درست، حاشیه‌پردازی، کلی‌گویی، نگرفتن مچ مجرم در همان ساحت و در نتیجه کم شدن برد تبلیغ در اثر تاخیر، عدم تأکید بر یک ایده و بیابان ایده‌های متعدد و...) دو انحراف عمده دیگر نیز دیده می‌شود.

عده‌ای از نیروهای سیاسی و گروهی از رفقای هوادار چنین تصور می‌کنند که کمونیست‌ها فقط فقط باید در رابطه با کارگران به تبلیغ بپردازند. گاهی چنین تصویری آشکارا بیابان نمی‌شود ولی در عمل به آن می‌پردازند. "تب کارگر زدگی" که ریشه در اکونومیسم دارد بسیاری از نیروها را در بسیاری موارد از جنبش و از توده‌ها جدا نموده و بسط سکتاریسم گشاده است. همواره باید در نظر داشت که مبارزه دمکراتیک یکی از وجوه مبارزاتی کمونیست‌هاست و همواره نیز باید بدین طرز داشت که کارگران به تنهایی قادر نیستند انقلاب را به پیروزی برسانند و در این رابطه است که باید نیروی مشخصی را در رابطه با بسیج متحدان این طبقه بکار گرفت. این رفقا درک درستی از رابطه تنگاتنگ بین فعالیت سوسیالیستی و فعالیت دمکراتیک ندارند. لنین در این مورد می‌گوید:

"ما به نزدیکی تفکیک ناپذیر ترویج و تبلیغ سوسیالیستی و دمکراتیک و به موازی بودن کامل کار انقلابی در این ویا آن رشته اشاره کردیم. (لنین - وظایف سوسیالدمکراتهای روس) و همچنین برای این مسأله تأکید دارد که "به پرسش چه باید کرد تا بسط کارگران دانش سیاسی داده شود، نمیتوان فقط این پاسخ را داد که "باید به میان کارگران رفت" پاسخی که پرا تیسین‌ها بی که متمایل به اکونومیسم هستند در اکثر موارد به آن اکتفا نمایند.

برای اینکه به کارگران دانش سیاسی داده شود سوسیالدمکرات‌ها باید به میان کلیه طبقات اهالی بیرونند و باید دستجات ارتش خود

را به تمام اطراف روانه سازند. (لنین - چه باید کرد؟ - تأکید از ما است) از این نظر است که باید بر گرایشات انحرافی که به فعالیت مشخص در میان زحمتکشان شهری و اقشار مختلف خرده بورژوازی کم بها میدهد و یا تبلیغ در میان زنان، دانش آموزان، معلمان، کارمندان و بسیج آنان را نه بعنوان وظیفه‌ای اصلی بلکه بشکل فعالیت‌های کمالات (جنبی و هتئ خرد کاری) تلقی می‌کنند غالب شد.

از سوی دیگر نیز باید دانست که کمونیست‌ها در عین اینکه همواره تمام مبارزات را در جهت تدارک انقلاب قهرآمیز و برای آماده‌سازی پرولتاریا و متحدانش برای برانداختن بورژوازی بکار می‌گیرند اما این مسأله‌ای است کلی و استراتژیک و هیچگاه به این معنی نیست که مبارزات طبقه کارگر و توده‌های خلق برای خواسته‌های جزئی و فوری باید دیده، تحقیر نگریسته شود و به بهانه اینکه ما در راه تدارک انقلاب نهایی هستیم با این مبارزات برخوردی غیر فعال صورت گیرد.

با بکارگیری صحیح و اصولی تبلیغ، همین مبارزات را نیز میتوان به آن "برجسته‌ترین مثالی" بدل کرد که همه شونندگان بخوبی بدان آگاه و آنگاه به طرح "یک ایده" مشخص مثلاً افشای ماهیت سرکوبگر نیروهای نظامی - پرداخت. مثلاً هنگامی که در روستایی اسفالت جاده روستا و یا تهیه حمام بهداشتی برای ده جزو خواسته‌های هالی قرار دارد، رفقا نباید بی توجهی و تحت عنوان "کم اهمیت بودن" از کنار این مسائل بگذرند، بلکه باید با سازماندهی حرکات اعتراضی در این رابطه، مثلاً شکل دهی تظاهرات در جلوی فرمانداری و یا انتخاب نمایندگان برای اعمال فشار بر دولت برای تهیه این تسهیلات را بعهده بگیرند و در این مسیر در عین افشای هر حرکت ضد مردمی دولت و ارگانهای دولتی، لزوم وفواید شکل و یکپارچگی را در عمل برای روستائیان روشن کنند. "برای یک کمونیست اشتباه بزرگی خواهد بود که خواسته‌های فعلی کارگران را که بخاطر بهبودی جزئی در شرایط کارشان مطرح می‌شود یا دیده تحقیر نگردد و یا یک برخورد غیر فعال (پاسیو) به این مبارزات به بهانه برنامه کمونیستی و اینکه هدف نهایی محتاج یک مبارزه - انقلابی مسلحانه است، داشته باشند. خواسته‌های کارگران که آنها امروز بخاطر آن حاضرند با سرمایه‌دار بجنگند، هر قدر هم کوچک و محجوبانه باشد، نباید کمونیست‌ها کوچک بودن آنها را بهانه‌ای برای عدم شرکت خود در مبارزه قرار دهند" (کمینترن - اصول تشکیلات حزب)

حتی شرکت فعال در حرکات خود نگیخته مردم در قبال فشارهای روزمره زندگی میتواند این حرکات خود جوش را بدل به صحنه‌ای از افشاگری و تبلیغ سازمان یافته نماید. بعنوان نمونه در پمپ بنزینی که مخصوص موتور سیکلت‌ها بوده برای تعطیل زودتر از موعد مقرر صدها موتور سوار که عمدتاً از کارگران و زحمتکشان بوده‌اند دست به حرکات اعتراضی همراه با اشغال

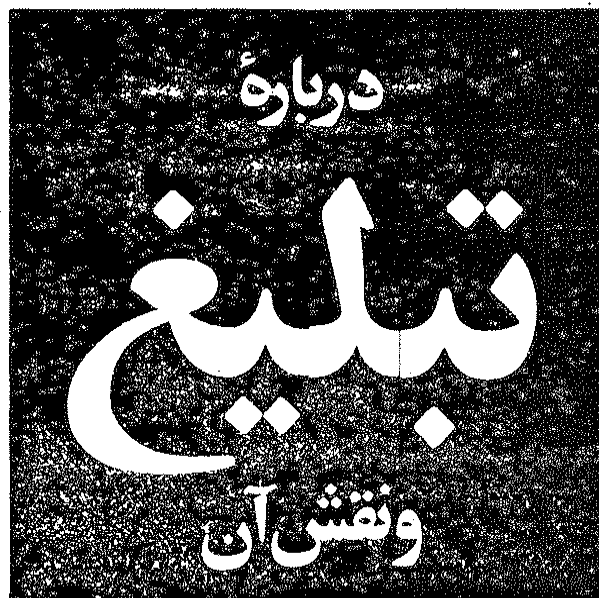
پمپ بنزین می‌زنند. در این حالت رفقای که در محل حضور داشته‌اند باید بدست گیری ابتکار عمل (بوسیله صحبت کردن با مردم، روشن کردن علل این فشارها و کمبودها و طرح این مسأله که کسانی که پول دارند از این نظر هم راحتند و بنزین قاچاق تهیه می‌کنند و اینکه مماثلت فشارها و فشارهای جنگ از جمله کمبود بنزین بیشترین فشارش بر دوش کارگران و زحمتکشان است) میتواند بخوبی تبلیغ شفاهی را به پیش برند.

● هنگامیکه حتی رفرم بسیار رنگ پریده‌ای رضی، مصوبه حاکمیت نیوز در عمل با مخالفت "آیات عظام" مواجه می‌شود و وظیفه ما است که ارتباط این مسئله را با ماهیت بورژوازی رفرم‌های هیئت حاکمه برای کشاورزان توضیح دهیم

تبلیغ شفاهی را سازمان دهیم

همانگونه که لنین تأکید دارد "عمل عمده تبلیغ سخنان شفاهی است" (چه باید کرد؟) این مسأله بخصوص در شرایط جامعه ما بعلاوه با بین بودن سطح آگاهی سیاسی توده‌ها، بعلاوه سالیان دراز از اختناق و خفقان و همچنین میزان بیسوادی، وجود تعدد دلچسب‌ها و زبانها و در جوار آن کمبود وسیع کتب و نشریات به این زبانها و... بسیار عمده می‌شود. مسلماً در هر تجربه روزمره این مسأله برای ما می‌رفقا بیش از پیش روشن می‌گردد که تبلیغ شفاهی در بین توده‌ها از برد بسیار وسیعی برخوردار است. در عین حال که حاکم بودن جوسپاسی در میان توده‌ها و در نتیجه عدم قدرت حاکمیت در برقراری خفقان و سرکوب مورد نظر، محیط مساعدی را برای تبلیغ شفاهی ایجاد نموده است. در تمام عرصه‌های جامعه هر روز شاهد تظاهرات، بگو مگوها و فریادهای اعتراضی توده‌ها هستیم که خشم فروخورده خود را به شیوه‌های مختلف بیان می‌کنند. هر صنف نان، گوشت و ارزاق عمومی مکانی است برای بحث و گفتگو و نطفه بستن اعتراضات، پای هر شیر فشاری مکانی است برای نقل دردها و موارات هسای زندگی سخت و کشنده زحمتکشان، هر اتوبوس کانونی است برای بیان اعتراضات توده‌ها به وضع موجود و خلاصه هر مکان تجمع، هر کجا که توده‌ها حضور دارند مکانی است برای فعالیت تبلیغ انقلابی، مکانی است برای تبلیغ شفاهی. مثلاً در صف اتوبوس آنگاه که مردم از دیر آمدن اتوبوس و از فرط سرما شروع به اعتراض مینمایند یک رفیق هوادار میتواند با برخورد دقیق و حساب شده بحث را بخوبی جهت داده با طرح نابرابریهای موجود (که عده‌ای حتی در این شرایط هم راحت برای ماشینهای لوکس و آخرین سیستم و بخاری دارند و بنزین بدست می‌آورند، دولت مردان همگی برینزهای آخرین مدل سوارند و با چندین ماشین اسکورت محاذیر زیادی بنزین برای رفت و آمد بقیه در صفحه ۱۱

بیا ورید در ساعت مشخص در محیطی شلوغ و پررفت و آمد ناگهان ۴۰،۳۰ یا ۵۰ نفر (این تعداد بر حسب محیط کار متغیر است) با در دست داشتن چمدن مقوای نوشته به شعار دادن می پردازند و پس از چند دقیقه بیا بیا یک سخنرانی کوتاه و نصب مقواها به دیوار و درخت دیگر اثری از آنان دیده نمی شود. آنگاه است که توده ها با طرح نوین در دست و دستگا ه سرکوب مات و منگ بر جای می مانند.



پیدا کنند، از سوی دیگر بعزت وجود جریانات انحرافی متعدد، رفقا باید در حد لزوم و کفایت بر مواضع سایر سازمانها و گروهها نیز احاطه کافی داشته باشند تا بتوانند سموم پورتونسم را از اذهان توده ها پاک نمایند. مسلم است که تبلیغ شفاهی نیز چون سایر وجوه تبلیغ برگرد محور ارگان سازمان شکل می گیرد. رفقا باید ایده های طرح شده در ارگان را به میان توده ها ببرند، آنرا با مسائل روزمره مردم بیا میزنند و بزبان توده ها بیان کنند.

تبلیغی همه جانبه را سازمان دهیم

مسلم است که طرح مساله تبلیغ شفاهی و عمده بودن آن (بعزت شرایط خاص موجود) بمعنی عدم توجه به سایر وجوه تبلیغ نیست. باید تبلیغی همه جانبه را سازمان داد و در این راه از تمامی شیوه های متنوع تبلیغ در رابطه با تحلیل مشخص از شرایط مشخص سود برد. شعار نویسی را باید سازمان داد. درود دیوار شهرها را باید از شعارها و ایده های انقلابی پر کرد، در این راه باید تمامی ابتکارات و خلاقیت های خود را بکار گیریم تا بتوانیم بیش از همه جانبه دیوار رنگ کن را شعار نویسی - های حرفه ای حزب جمهوری اسلامی و ضمايم آن فائق آئیم. شعار نویسی باید علاوه بر محتوایی انقلابی دارای شکلو ظاهری جلب کننده باشد. در این رابطه انتخاب مکان مناسب که در دید کامل و در مسیر عبور و مرور یا محل تجمع توده ها باشد بسیار اهمیت دارد تهیه تراکت و اعلامیه و توزیع وسیع آنها شکل دیگری از وظایف انقلابیست نباید دوسایل ساده ولی کار آمدی چون کاغذ کاربن - چهار چوب دستی تکثیر - چاپ ژلاتینی و سایر روشهای مفید و کار آزا بفراموشی سپرد. در توزیع اعلامیه و تراکت به چسباندن آن بر دیوارها و سر گذرها و محلهای تجمع و عبور و مرور نیز باید توجه داشت در شهرهای بزرگ - در رابطه با مسائل عمده ای که دامن گیر توده ها است - میتوان تظاهرات موضعی را سازمان داد. و در نظر

بقیه از صفحه ۱۰
خود هدر می دهند و آنگاه توده های مردم در سوز و سرما مدت های مدید را بایده به انتظار را تبوسا میکنند (تاما می خشم و کینه مردم را بسوی آنچنان نظم می که بر چنین نابرابریها بی صحنه می نهید معطوف نماید.

در این شرایط ضعف شدید جنبش از این نظر کاملاً مشهود است. عدم وجود مبلغین زبردست و سازمان یافته از یکسو و از سوی دیگر عدم آگاهی و توجه هواداران به اهمیت این وجوه از تبلیغ، این ضعف را بشکل مرضی مزمن در آورده است. اکثر رفقا به مساله تبلیغ شفاهی بشکل یک وظیفه انقلابی و یک فعالیت ضروری نگاه نمی کنند. اکثر رفقا به تبلیغ شفاهی، بحث و صحبت برای توده ها در حد یک فعالیت جنبی و تفننی برخورد می کنند. اکثر ایدیه می شود که حتی بحث های محفلی و روشنفکری به شرکت در کانون های اجتماع مردم و تبلیغ شفاهی ترجیح داده می شود. و مشخص است که با وجود چنین دیدی که بر جنبش حاکم است موارد معدودی از تبلیغ شفاهی سازمان یافته و تیم های تبلیغ دیده می شود. رفقا باید بدانند که آینهک بیش از هر زمان دیگر تبلیغ شفاهی عمده و ضروری است. اینک پرورش مبلغ به عنوان یکی از وظایف مبرم جنبش در دستور روز قرار دارد و بر هر رفیق هواداری است که سازماندهی تبلیغ توده ای و بخصوص شکل دادن - تبلیغ شفاهی سازمان یافته را در دستور کار خود و سایر رفقا پیش قرار دهد.

تبلیغ شفاهی در میان توده ها - آنطور که برخی از رفقا تصور میکنند آنچنان که رساله ای نیست که احتیاج به هیچگونه تعلیم و آموزش خاص و تجربه و تمرینی نداشته باشد. یک مبلغ خوب - مبلغی که بتواند ایدیه های مشخص را بزرای توده ها طرح نماید، مبلغی که بتواند توده ها را به شور و شوق و حرکت وادارد، مبلغی که بتواند مواضع و ایدیه های سازمان را با موفقیت به میان توده ها ببرد - باید دارای مشخصات و ویژگی خاصی باشد. یک مبلغ باید به فن بیان آشنا باشد تا بتواند بخوبی مفاهیم مورد نظرش را به توده ها القاء نماید. در این مورد آشنایی با زبان توده ها، دانستن بیان گرم و قدرت تهییج بسیار موثر است. یک مبلغ باید بشکل کامل با مسائل و فرهنگ توده ها آشنا باشد. و این میسر نیست بجز از طریق زندگی در میان توده ها. بکارگیری لهجه خاص محل برای یک مبلغ امتیاز مناسبی به شمار می آید. یک مبلغ باید بر مواضع سازمان تسلط کامل داشته باشد، جبران تبلیغ ناقص مواضع و یا احیاناً سیاستهای انحرافی خود از نرزی بسیاری را به هدر خواهد داد. در این رابطه تمام رفقا باید همه نوشته ها و آثار سازمان را بدقت هر چه تمامتر مطالعه نموده، با بحث و شگافتن آن به کمک سایر رفقا تسلط کاملی بر مواضع سازمان

باید با فعالیتی پیگیر در مورد یک یک نمودهای مشخص روابط طالمانه سرمایه داری وابسته چه در زمینه اقتصادی و چه در مورد سیستم سیاسی تبلیغ وسیع پرداخت، زیرا توده ها فقط در تجربه عملی خود است که به ماهیت واقعی بورژوازی پی می برند و صحت گفتار کمونیست ها را درمی یابند باید تمام می کوشش خود را بکار گیریم تا اشخاصی که فقط از مشکلات روزمره خود، از وضع ادارات، فشار روزمره افزون زندگی، گراسی، صف و ... ناراضی هستند به ارتباط سیستم تمامی این مشکلات و مصائب با کمال سیستم سرمایه داری وابسته واقف شوند.

همچنین رفقا باید تمام می کوشش خود را در تهیه اعلامیه، بیانیه، مقالات و نوشته های کارزار سازماندهی و مقالاتی بزبان ساده در توجیه مسائل روز و ... به زبانهای محلی و لهجه های موجود در محیط خود بنمایند. کمی سود اینگونه آثار باید کوشش همه جانبه و در تمام می سطوح جبران گردد. بسیار حداقل امکانات نیز میتوان نوارهای آموزشی به زبانهای محلی تهیه کرد دیدار بین نوارها به همراه سرودهای انقلابی در میان توده ها برد وسیعی دارد. حتی در محله های بی ز تهران که همسایه های ترک زبان ماسکونت دارند نوارهای انقلابی و سرودهای بزبان ترکی از فروش استقبال بسیار چشمگیری برخوردار بوده است. مشخص است که برخورد اصولی با مساله تبلیغ از سوی رفقای هوادار فقط در کار جمعی میتواند متبلور گردد در رابطه با سازماندهی هسته، وظایف درونی و بیرونی هسته، شیوه های مطالعه رعایت اصول مخفی کاری و ... قبل از در لزوم توضیح داده شده و بعدها نیز در این مورد صحبت خواهیم کرد.

پس دست بکار شویم. رفقا! اوقات گرانبها را تلف نکنیم! در مقابل سوسیال دمکراتهای روس برای برآوردن احتیاجات پرولتاریا که از خواب بیدار می شوند، برای متشکل کردن جنبش کارگری برای تقویت گروههای انقلابی و ارتباط متقابل آنها، برای تأمین کارگران از لحاظ مطبوعات ترویجی

بقیه در صفحه ۱۲

سود ویژه که قسمتی از دستمزد کارگران است پرداخت باید کرده

درباره تبلیغ و...

بقیه از صفحه ۱۱

وتبلیغاتی و برای جمع کردن محافل کارگری و گروههای سوسیال دمکرات که در اطراف واکناف روسیه پراکنده اند در یک حزب کارگری سوسیال دمکرات یک دنیا کار وجود دارد!

(لنین - وظایف سوسیال دمکراتهای روس) در مورد تبلیغ و سازماندهی آن رفقا میتوان گفت زیرمطالعه کنند.

وظایف سوسیال دمکراتهای روس لنین مجموعه مقالات نامه به یکر فیک در مورد وظایف سازماندهی ما لنین گرایش قهقرا بی در سوسیال دمکراسی روسیه لنین

درباره مرا منامه

از چه باید آغاز کرد؟

چه باید کرد؟

لنین

لنین

لنین

مقاله هسته های سرخ مندرجه در "کار" بخصوص قسمت وظایف هسته.

هسته های مطالعاتی (در مورد سازماندهی هسته) هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

علیه سبک الگوسازی در حزب ما نوشته دون (این کتاب با وجود انحرافات موجود در مورد شیوه تبلیغ ایده های مناسبی دارد)

یک تراکت خوب یک تراکت بد اصول تشکیلات حزب

سازمان پیکار

کمیته ترن

فدائیان خلق چه میگویند

بقیه از صفحه ۱۴

فدائیان خلق میگویند: سیستم اداری و نظامی موجود باید از اساس دگرگون شود و سیستمی خلقی منطبق با نیازها و منافع خلق بوجود آید.

فدائیان خلق معتقد به تسلیح همگانی خلق هستند و میگویند، تنها خلق مسلح به همراه سربازان، درجه داران و افسران انقلابی هستند که قادرند در مقابل هرگونه تجاوزی از استقلال و تمامیت میهن زحمتکشان دفاع کنند.

فدائیان خلق میگویند: خلقهای تحت ستم میهن ما نظیر خلق کرد، ترک، ترکمن، بلوچ و عرب که علاوه بر ستم های دیگر از ستم ملی نیز رنج میبرند، باید خود بر سر نوشتشان حاکم باشند. باید ستم ملی برافتد و به خلقهای تحت ستم اجازه داده شود که آزادانه تصمیم بگیرند که چگونه میخواهند زندگی کنند تاکنون دولت های حاکم بر ایران بردشمنی ملی دامنه زده، فارس را در برابر کرد، ترک را در برابر ترکمن، بلوچ را در برابر عرب قرار داده اند، باید برای همیشه این دشمنی ملی از بین برود.

فدائیان خلق میگویند: جنگی که اکنون بین دولت های ایران و عراق در جریان است، جنگی که به منافع عظیم اقتصادی این دو کشور و ثروتهای ملی آنها، آسیبهای جدی وارد آورده، جنگی که جز کشتار، ویرانی، خانه خرابی، درباری، آوارگی، بیکاری، فقر، بیماری و دهها مصیبت دیگر برای خلقهای ایران و عراق بیبارنیا ورده است، تنها بنبفع سرمایه داران دو کشور و امپریالیسم جهانی است. این جنگ باعث تشدید وابستگی دو کشور به امپریالیسم شده، انحصارات امپریالیستی سودهای کلانی از فروش اسلحه بحیب میزنند و فشار آنرا بایده توده های زحمتکش ایران و عراق متحمل شوند.

سرمایه داران ایران و عراق با حمایت دولت های خود، بیشترین سود را از این جنگ میبرند، در خانه های امن و راحت خود دور از مناطق جنگی راحت زندگی میکنند، شیره جان زحمتکشان را میمکنند و جیبهای گشا خود را پرتر میکنند. اما کارگران را به بهانه جنگ بکار بیشتر و میدارند، و مزد کمتری میپردازند، توده های زحمتکش بایده مالیات بیشتری بپردازند، کالاهای را گرانتر بخرند، چندین ساعت را در صفهای طویل بایستند، مناطق مسکونی و همه هستی آنها زیر بمباران گلوله های توپ و تانک و موشک ویران شود، عزیزان خود را از دست بدهند، آوارها شهرها شوند.

فدائیان خلق میگویند: نابود باد جنگ غیر عادلانه دولت های ایران و عراق زنده باد برادری خلقهای ایران و عراق. زیرا که خلقهای ایران و عراق هر دو تحت ستم هستند، بایکدیگر هیچگونه دشمنی ندارند، بلکه این جنگ، زحمتکشان را مطرح میکنند.

فدائیان خلق میگویند: این که دولتی با زور بخواهد سرزمینها و خلقهای دیگر را بخود ملحق کند، از جانب هر که باشد مخالفند و معتقدند که خود مردم آن مناطق، آزادانه باید تصمیم بگیرند که چگونه میخواهند زندگی کنند، شعار صلح بدون الحاق را همراه با برسمیت شناختن حق تعیین سرنوشت برای خلقها مطرح میکنند.

فدائیان خلق میگویند: دولت های ایران و عراق نمیتوانند صلحی پایدار را برای زحمتکشان دو کشور تامین کنند، بلکه در نهایت برای اینکه وضعیتشان بخطر نیافتد و توده های دو کشور که زیر فشارهای ناشی از جنگ قرار گرفته اند، علیه دولت های خود قیام نکنند، بایکدیگر بربند و دست میکنند و دوباره مدتی بعد که یکی نیرومندتر از دیگری شد، جنگ را آغاز میکنند.

اینست مختصری از آنچه که فدائیان خلق میگویند و مورد دشمنی سرمایه داران و حکومت های حامی آنها قرار میگیرند. باید که خلقهای تحت ستم میهن ما بآن درجه از آگاهی برسند که بروشنی مرز میان دوستان و دشمنان خود را تشخیص بدهند و بدانند که فدائیان خلق تنها نیروئی هستند که پیگیرانه از منافع توده های زحمتکش دفاع میکنند.

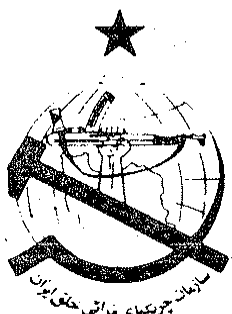
پیروزی دمبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

نابود باد امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه داخلی

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

آذر ماه ۱۳۵۹

با اتکاء به نیروی توده ها برای صلح دمکراتیک در کردستان
بکوشیم



فدائیان خلق چه میگویند

**هموطنان مبارز! کارگران، دهقانان، کسبه و پیشه‌وران، کارمندان -
جزء اداری، معلمین، دانشجویان و دانش آموزان مبارز، سربازان و پرسنل انقلابی!**

امروز ما با گرفتاری یک نابسمانی و بحران عظیم است. اقتصادیکلی از هم گسیخته است. شرایط زندگی توده‌های زحمتکش بسیار شاق و طاقت فرسا شده است. فقر و خانه‌خوابی، گرانی و بیکاری، جنگ و آوارگی، کمبود مایحتاج اولیه زندگی، مشکلات ناشی از جنگ و هزاران سختی و فشار زندگی را بیش از پیش بر میلیونها نفر از زحمتکشان میهن ما دشوار کرده است. نزدیک به دو سال از قیام شکوهمندی که بدست توانای شما صورت گرفت و رژیم منفور و مزدور شاه را به کورسیرد میگرداند، اما حکومتی که بجای رژیم شاه زمان ما مور را در دست گرفت، نه تنها به خواسته‌های برجسته که شما بخاطر رسیدن آنها و تسکین زندگی آسوده و شرافتمندانه انقلاب کردید، پاسخی نداد، نه تنها دردی از دردهای شما را مداوا نکرد، بلکه با کدورت و بربریت طاقت فرسایی که شما بردوش میکشید افزوده و امروز با تحمیل جنگ و مصائب و بدحیثیهای ناسی آرآن، زندگی را بر شما سباز پیش دشوار کرده است.

روزی نمیگذرد که تعدادی از هموطنان ما در زیر توب و نایک مبارانها و راکتتهای ارس مزبور و رژیم صدامی عراق کشته شوند، بسیاری آواره و در بدر شهرها و روستا نگرند، مراکز و تاسیسات مهم صنعتی و تفریحی ملی که نتیجتاً از زحمت میلیونها کارگر هموطن ما است با خاک یکسان نشود.

قیمت اجناس و کالاهای مورد نیاز زحمتکشان مدام افزایش یافته و با بدو مایحتاج چریکی توده‌ها کمبات سود و مسلمان در عراق و سر همین فشارها به توده‌های زحمتکش عراق وارد میشود، دولت جمهوری اسلامی که از همان فردای به قدرت رسیدن معوض با سخ دادن به خواسته‌های شما زحمتکشان، معوض دفاع از منافع شما بوده‌های ستمدیده، از شما مدد را از دفاع کرد و در مقابل شما قرار گرفت، امروز هم در حالیکه مردم با مسئله جنگ، ویرانی، خانه‌خوابی، فقر، بیکاری و گرسنگی و هزاران بدحیثی دیگر روبرو هستند بنحویریان تری بهمان سیاستهای گذشته خود ادامه میدهد و هر صدای حوصلی که شما زحمتکشان را علیه فشارها و مشکلات موجود، بنام "ضد انقلاب" در گلو خفه میکند.

رژیم جمهوری اسلامی در طی نزدیک به دو سال مدام به خلق وعده‌ها داده اما هیچیک از وعده‌های خود عمل نکرد، بنوده‌ها دروغ گفت و هدفش فریب مردم بود. رهبران و مقامات دولتی اصلاح فکر بنوده‌ها نیستند و بنحویها می‌باید توده‌ها می‌فهمند که جنگ و دعواهای داخلی‌شان اوچ گرفته باشد و در چنین شرایطی است که هر یک از آنها سعی میکنند دیگری را مسئول نابسمانی موجود و فشار بر زندگی بردوش زحمتکشان معرفی کنند.

حزب جمهوری اسلامی و رهبران آن که در عمل نشان داده‌اند، هیچگاه بفکر توده‌ها نبوده و نیستند و هم‌وغم آنها پر کردن کسه خود و سایر سرمایه‌داران است. بنی‌صدر و لیبرالهای دیگر را که سربک آنها در حکومت‌اند، مسئول تمام مشکلات مردم معرفی میکنند، و متقابلاً بنی‌صدر و لیبرالهای دیگر نیز که همیشه از منافع سرمایه‌داران و شروتمندان دفاع کرده و اولاد و فکر زحمتکشان نیستند حزب جمهوری اسلامی را مسئول نابسمانی موجود معرفی میکنند اما زحمتکشان میهن ما دیگری پس از دو سال باید ببینیم - زان زیادی دریافته باشند که همه آنها سروتیک کریا سند.

مگر با زرگان لیبرال برای توده‌ها چه کرد که بنی‌صدر بکند؟ مگر همین لیبرالها شیکه امروز دوباره بفکر مردم افتاده‌اند و از مشکلات مردم و "آزادی" سخن میگویند، همان کسانی نیستند که در جهت نابودی آنچه که توده‌ها با قیام خونبار خود بدست آورده بودند، مشترکاً با حزب جمهوری اسلامی اقدام کردند؟ مگر آنها مشترکاً هر خواست برجسته زحمتکشان و هر صدای حق طلبانه‌ای را با برچسب "ضد انقلاب"، خفه نکردند؟ پس چه شده است که امروز دوباره با مردم افتاده‌اند؟

آنها میخواهند یکبار دیگر توده‌ها را فریب دهند، آنها دروغ میگویند، نه در فکر توده‌ها هستند و نه خواستار آزادی آنها زحمتکشان میهن ما دیگر نیستند و فریب وعده‌ها و شیرین زبانیهای این دشمنان خلق را بخورید. شما در چند سال گذشته زندگی پر تلاطم و سرشار از تجربه‌ای را پشت سر گذاشته‌اید. شما رژیم مزدور شاه و تمامی بدحیثیها و مصیبت‌های را که این رژیم برای خلق بیار آورده بود و اینکه میهن ما را در دست در اختیار امپریالیستها قرار داده بود و ابتدائی ترین حقوق و آزادیهای خلق را پایمال کرده بود، تجربه کرده‌اید و باید دید که آنها نیز نمیتوانند دردی از دردهای شما را مداوا کنند و به خواسته‌های برجسته شما پاسخ گویند. شما تاکنون حکومت سرمایه‌داران وابسته و ملاکین و زمینداران بزرگ، این الوهای خونخوار را تجربه کرده‌اید، شما اکنون بخوبی آگاهید که امپریالیسم آمریکا این سر دستان امپریالیستها، یعنی سر دستان دزدان، غارتگران چپا و لگران جهانی دشمن خلق ما، خلق فلسطین، خلق ویتنام و همه خلقهای سراسر جهان، میهن ما را به بند کشیده و چنانچه جنایاتی مرتکب شده است. بنا بر این، خلق قهرمان ایران! شما با این تجربیاتی که اندوخته‌اید باید مبارزه سر سخت خود علیه امپریالیسم و حاکمان و مدافعین سرمایه‌داری وابسته را ادامه دهید. نه تنها با ضد علیه رژیم جمهوری اسلامی به مبارزهای جدی پرداخت بلکه باید شدیداً علیه طرفداران رژیم سابقا کسانی که میخواهند از این وضعیت استفاده کنند و رژیم سابق تا حد ممکن مثل رژیم شاه خونخوار را دوباره بر سر کار آورند و دندان تیز کرده‌اند و مطربند رژیم سرور و احیای بر سر کار سازند، مبارزه کنید.

مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدا نیست

فدائیان خلق چه می گویند

هموطنان مبارز

بقیه از صفحه ۱۳

شما بخوبی آگاهید که در دوران رژیم شاه منفور، فدائیان خلق این مبارزان جان برکف را بنام "تروریست" و "خرابکار" محکوم میکردند و زندانهای شاهانهاشته از فدائیان خلق بود. امروز هم می بینید که جمهوری اسلامی بیشترین تبلیغات را علیه فدائیان خلق میکند و بیشترین فشار را به فدائیان خلق وارد می آید. چرا رژیم شاه و جمهوری اسلامی هر دو این همه نسبت به فدائیان خلق دشمنی نشان داده اند؟ علتش اینست که این حکومت ها از منافع سرمایه داران و زمینداران دفاع میکنند. در حالی که فدائیان خلق از منافع کارگران، دهقانان و همه اقشار خلق دفاع میکنند. فدائیان خلق دشمنان آشتی ناپذیر امپریالیسم، سرمایه داران و زمینداران و مدافعین پیگیر منافع خلق اند.

فدائیان خلق میگویند: برای نجات میهن و تامین زندگی بهتر و آسوده برای زحمتکشان، باید هرگونه وابستگی به امپریالیسم از بین برود و نظام سرمایه داری وابسته که اساس این وابستگی است برافتد. میگویند: باید آشتی ناپذیر و سرسخت علیه سرمایه داران و وابسته با امپریالیسم و زمینداران بزرگ این زالوهای جامعه مبارزه کرد.

فدائیان خلق به کارگران میگویند: که کارخانه ها باید تحت کنترل و نظارت کارگران متشکل شده در شوراهای کارگری باشد. نه تنها کارخانه ها و موسسات متعلق به سرمایه داران و وابسته باید تحت کنترل کارگران و شوراهای کارگری قرار گیرد، بلکه تمام امکانات مادی و تسهیلات لازم برای بگردش در آوردن چرخ تولید، در اختیار شوراهای کارگری قرار گیرد.

فدائیان خلق میگویند: کارگران که نیروی عظیمی را تشکیل میدهند و چرخ اقتصاد مملکت با دستهای توانای آنها بگردش در می آید، باید از نظر مادی و معنوی کاملاً تامین شوند. دیگر سرمایه داری بالای سر کارگران نباشد و شبح فقر و بیکاری بر زندگی آنها سایه نیندازد.

فدائیان خلق میگویند: ۴۰ ساعت کار و دو روز تعطیل در هفته، با اضافه یک ماه مرخصی سالانه حق مسلم کارگران است. میگویند: باید برای همیشه سرزمینداران بزرگ را از سردهقانان زحمتکش کوتاه کرد و زمینهای آنها مصادره شود و بطور رایگان در اختیار دهقانان قرار گیرد. نه تنها زمین بلکه تمام امکانات مادی لازم نظیر آب، وسایل و ابزار کشاورزی، کود و بذر برای دهقانان زحمتکش تامین شود و در اختیار آنها قرار گیرد. دهقانان باید از طریق شوراهای اتحادیه ها و تعاونیهای خود بر سر نوشت خویش حاکم گردند.

فدائیان خلق میگویند: کسبه و پیشه وران زحمتکش در نظام سرمایه داری وابسته، زیر فشار سرمایه های بزرگ اعم از دولتی و خصوصی قرار دارند. آنها با گذشت هر روز با ورشکستگی، فشارهای مالی و دهها گرفتاری دیگر روبرو میشوند. باید این فشارها پایان یابد یا بدین تمام بدهیهای آنان فوراً لغو شود.

فدائیان خلق میگویند: بیکاری که در دربی درمان نظام سرمایه داری است و امروز میلیونها نفر از هموطنان زحمتکش میهن ما قربانی این بلای خانمانسوزند باید ریشه کن شود و کار برای تمام خلق تامین گردد. این امر ممکن نیست مگر آنکه نظام سرمایه داری وابسته و همراه با آن سرمایه دارانیکه خون کارگران و زحمتکشان را بشیش کرده اند برافتد.

فدائیان خلق میگویند: گرانی و افزایش سرسام آور قیمتها زندگی را بیش از پیش بر خلق ایران دشوار کرده است. زحمتکش ایران قابل تحمل نیست. باید شدت با آن بمبارزه پرداخت و کارها و مایحتاج روزمره توده ها بقیمتهای ارزان و مناسب در اختیار آنها گذاشته شود. بدین منظور در یک حکومت انقلابی که از منافع زحمتکشان دفاع میکند باید تجارت داخلی تحت کنترل دولت باشد تا دست همه مفت خورها، سرمایه داران، تجار گردن کلفت و واسطه ها کوتاه شود.

فدائیان خلق میگویند: این سرمایه داران یعنی صاحبان صنایع و کارخانه ها، و تجار ثروتمند و مفت خورها، دارند، که به گرانی دامن میزنند، دست به احتکار میزنند، بازاریها درست میکنند تا بر سودهای کلان خود بیفزایند، مقصر اصلی آنها هستند نه کسبه و خرده تولیدکنندگان زحمتکش.

فدائیان خلق میگویند: از آنجا که توده های زحمتکش زیر بار دیون و بدهی و فشارهای متعدد مالی از هستی ساقط شده اند، باید تمام دیون و بدهی آنها به بانکها و موسسات مالی، لغو شود.

فدائیان خلق میگویند: تا مین مسکن برای زحمتکشان وظیفه هر دولت انقلابی و خلقی است. همه زحمتکشان باید مسکن داشته باشند. این کار ملاطافه و غیر عادلانه است که عده ای محدود یعنی سرمایه داران، مالک دهها خانه و آپارتمان و ویلا باشند، یا دهها هزار محل مسکونی آماده وجود داشته باشد، اما انبوهی از توده های مردم در آلونکها و زاغه ها زندگی کنند. چرا باید ثروتمندان استثمایر در شمال شهرها در آپارتمانهای لوکس، ویلاها، خانه های مجلل زندگی بپزیش و نوش و راحتی را بگذرانند، در حالی که توده های زحمتکش در جنوب شهرها، در گودها، دربندترین شرایط در یک اتاق اجاره ای زندگی کنند.

فدائیان خلق میگویند: یک دولت انقلابی باید فوراً این مسئله را حل کند و راه چاره آن اینست که اولاً خانه ها و آپارتمانهای سرمایه داران مصادره شود و آنچه را که سرمایه داران رها کرده و رفته اند در اختیار زحمتکشان قرار گیرد. ثانیاً دولت حامی زحمتکشان باید با سرمایه گذاری لازم برای همه زحمتکشان مسکن تامین کند.

فدائیان خلق میگویند: فرزندان زحمتکشان باید از هر جهت تامین شوند و آموزش و پرورش و اقارب را یگان و اجباری باشد.

فدائیان خلق میگویند: خدمات بهداشتی و درمانی باید بطور رایگان و مجانی در اختیار زحمتکشان قرار گیرد. میگویند: باید آزادی فعالیت سیاسی برای تمام احزاب، سازمانها، گروهها و جمعیتهای خلق دفاع میکنند، تا مین گردد.

فدائیان خلق میگویند: باید آزادی عقیده و بیان، آزادی قلم و مطبوعات، آزادی تجمع، تظاهرات، حق رأی و حق زن و مردان در همه زمینه ها و شئون زندگی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی تامین گردد. زنان که نیمی از جمعیت میهن ما را تشکیل میدهند، باید فعالانه اداره امور مملکت را بعهده بگیرند.

فدائیان خلق معتقد به آزادی عقیده و مذهب و آزادی مذهبی مردم هستند. نه تنها مسلمانان اعم از شیعه و سنی که اکثریت عظیم هموطنان ما را تشکیل میدهند، باید در امر اعتقادات مذهبی و اجرای مراسم مذهبی خود آزاد باشند بلکه همه اقلیتهای مذهبی نیز باید از این حق برخوردار باشند.

بقیه در صفحه ۱۲

رژیم جمهوری اسلامی به فلج کردن زندگی سه میلیون بغدادی افتخار میکند

میکنند. اما این روزها کپکاه تیتسر هائی در روزنامه های وابسته به رژیم چشم میخورد که نشان دهنده گوشه هائی از "افتخار آفرینی" های ارتش جمهوری اسلامی است و از آن میان تیتسخبری است که با وقاحت تمام به فلج کردن زندگی سه میلیون جمعیت بغداد اشاره میکند در این خبر که در کیهان پنجشنبه ۲۷ آذرماه با تیتسر درشت چاپ شده آمده است که: "ضربات مرگبار ایران، زندگی ۳ میلیون جمعیت بغداد را فلج کرد بطوری که برق و آب در بغداد قطع و حیره بدی بنزین شدت به اجرا گذاشته شد".

زحمتکشان ایران بخصوص آنها که مستقیماً در نتیجه این جنگ غیر عادلانه عزیزان خود را از دست داده اند، از خاک و گاشته شان آواره شده اند و بار فقر و گرانای و بیماری ناشی از آن را بدوش میکشند با خواندن این اخبار، بیش از پیش به ماهیت این جنگ پی میبرند و در می یابند که توده های محروم عراق نیز چون آنها باید بار مرگ عزیزان، آوارگی فقر، خانه خرابی، بیماری و بیماری بدوش بکشند، در می یابند که آوارگان عراقی نیز چون آنها باید برای گرفتن یک پتوی اندکی آرد ساعته در صاف با یستند و آنها نیز باید چون خودشان در سرمای گزنده زمستان، لخت و بی پناه باشند.

وظیفه همه نیروهای آگاه و انقلابی است که برای نشان دادن ماهیت ارتجاعی جنگ کنونی، به افشای عملکردهای هر دو رژیم ایران و عراق و توضیح در مورد کشتار ویرانی و آوارگی که از میان این جنگ است، پیردازند و علیه این جنگ تحمیلی و غیر عادلانه دست به تبلیغات وسیع و همه جانبه در بین زحمتکشان بزنند.

آتش جنگ ارتجاعی دولت های ایران و عراق، هر روز بخشی از هستی خلقهای محروم دو کشور را یکا میخویش میکشد. روزی نیست که دهها و صدها تن از زحمتکشان ایران و عراق بر اثر این جنگ تحمیلی کشته، زخمی و آواره نگردد سردمداران مرتجع و ضد خلقی هر یک از دو رژیم بعث و جمهوری اسلامی در زمینه صدور فرمان های فاشیستی و غیر انسانی به سپاهیان خود، مبنی بر ویران کردن مناطق مسکونی و مراکز اقتصادی و کشتار خلقهای زحمتکش دو کشور، در این جنگ غیر عادلانه به رقابت با یکدیگر برخاسته اند.

خلقهای زحمتکش ایران اعم از آنان که هر روز مستقیماً جان و مالشان در معرض خطر بمباران ها و آتش توپخانه ها و هواپیما های ارتش عراق است و یا آنان که در شهرهای دورتر از جبهه با عوانت ناشی از چنین جنگی دست بگریبانند، شاهد و ناظر اقدامات فاشیستی ارتش ضد خلقی عراق هستند اما بخاطر تحریف ها و دروغ های جمهوری اسلامی، در جریان اخبار آنسوی جبهه یعنی سخنی هائی که بر زحمتکشان عراق میگردد - قرار ندارند و از جنایت های رژیم جمهوری اسلامی در عراق بی خبرند و بیرون آنکه در تبلیغات رژیم ایران نه تنها از حمله به مناطق مسکونی عراق و خسارت هائی که به مردم عراق وارد می آید سخن نمیرود، بلکه بارها و بارها سردمداران جمهوری اسلامی مدعی شده اند که در مقابل بمباران شهرهای ایران توسط میگ های عراق، هواپیما های ارتش جمهوری اسلامی، اعلامیه های آگاه کننده بر روی شهرهای عراق پخش میکنند و با این ترتیب جنایت های بی رحمانه که توسط ارتش ایران بر خلقهای عراق می رود پرده پوششی

آوارگان جنگ ...

بقیه از صفحه ۶
شما نرسیده است میگویند: بخدا تا حالا اصلاً نرسیده اند، حتی حالمان را هم نمی پرسند، بچه هایمان از کثافت دارند مریض میشوند، حتی پول نداریم آنها را به حمام ببریم. مرد جوانی که به سراسری دیدن شرایط زندگی آوارگان آمده بود میگفت من تا بحال فکر میکردم آنچه که را دیو و تلویزیون در مورد کمک به جنگ زدگان میگویند درست است، اما حالا با دیدن این صحنه ها پی به دروغهای آن ها میبرم.

دزفول زیر آتش توپخانه عراق! ۱۶ تا ۲۳ آذر

شهر دزفول در این تاریخ زیر آتش توپخانه ارتش ضد خلقی عراق قرار دارد هر روز چند گلوله توپ به مناطق مسکونی شهر شلیک میشود و هر بار چند نفر از هموطنان ما قربانی جنگ دودولت میشوند.

یکی از اهالی دزفول که روز هجدهم شاهد خرابی منازل مسکونی در خیابان فروهر بود میگفت "تا کسی با بدین وضع را تحمل کنیم، اسیر شدیم، دیگر اعمالی هم برایمان نمانده است، کسی هم بفکر ما نیست".

روز بیست و دوم گلوله توپ مزدوران عراقی در نیم متری یک اتومبیل منفجر شد، شدت انفجار آن، اتومبیل را داخل مغازه ای پرتاب کرد، با انفجار و آتش گرفتن اتومبیل، ساختمان مزبور که شامل چند مغازه و انبار است آتش گرفته محل این انفجار که در خیابان امام خمینی نرسیده به (فلکه مثلث) قرار دارد از شلوغ ترین مناطق شهرواز مراکز خرید است. در این حادثه تعداد شهدا - طبق آمار دولتی - به ۶۲ نفر و مجروحین به ۱۱۲ نفر رسید. تلفات بخصوص در قسمت زیرزمین ساختمان که فروشگاه پوشاک و وسایل پلاستیکی است، بیشتر بود موج ناراضییتی از حاکمیت و نفرت از جنگ، همه جا را گرفته بود، مردم سعی داشتند مجروحین را به بیمارستان برسانند و اجساد را جمع کنند، به حاکمیت دشنام میدادند. پیرزنی میگفت "پاداران و ارتش برای ماکاری نمیکنند، معلوم نیست کی باید جلوا اینها را بکشد - دستفروشی میگفت آنها که در تهران و قم نشسته اند فقط فکر خودشان هستند، نمیدانند ما چه میکشیم همه اش میگویند ما برای شهادت آفریده شده ایم، بخدا من نمیخواهم شهید بشوم، زور که نیست!" یکی از کسبه محل میگفت "ماندن مردم در شهر فایده ای ندارد، ما کشته میشویم ملاها برای خودشان تبلیغ میکنند، کشته شدن ما هم برایشان مهم نیست، دو ماهه است اینها میگویند عقب را ندیمشان ولی هنوز پشت شوش هستند، شاید جلوتر هم آمده باشند".

حیرت انگیز این است که ارتش عراق در حالی که برق و آب در بغداد قطع و حیره بدی بنزین شدت به اجرا گذاشته شد

ضربات مرگبار ایران زندگی ۳ میلیون جمعیت بغداد را فلج کرد

چندین روز از آتشگاه های عراق چشم میخورد که نشان دهنده گوشه هائی از "افتخار آفرینی" های ارتش جمهوری اسلامی است و از آن میان تیتسخبری است که با وقاحت تمام به فلج کردن زندگی سه میلیون جمعیت بغداد اشاره میکند در این خبر که در کیهان پنجشنبه ۲۷ آذرماه با تیتسر درشت چاپ شده آمده است که: "ضربات مرگبار ایران، زندگی ۳ میلیون جمعیت بغداد را فلج کرد بطوری که برق و آب در بغداد قطع و حیره بدی بنزین شدت به اجرا گذاشته شد".

کیهان
شماره ۱۵
تیرماه ۱۳۵۹
۱۳ آذرماه
روز جنوب میهمان شد

طلبه و دانشجو
روز در دانشگاه
تماز وحدت
خواندند
نوه و اعداری
زمین و وام
به کارگران
امام:
معلولین
زبان
گویای
اسلام و
افتخارند

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

پتک است خون من دردست کارگر داس است خون من دردست برزگر

گرامی باد خاطره شهدای دیمس

در سالهایی که رژیم ضد خلقی شاه با پشتیبانی امپریالیسم جهانی در اوج قدرت بود و دستگاه های پلیسی هرگونه حرکت را سرکوب می کرد، مبارزان راستینی که دلشان آکنده از عشق به خلق و طبقه کارگر بود پای در میدانها دند و پیا خون خویش نهال جنبشی را آبیاری کردند که روزی - نه چندان دور - درخت تنای وری خواهد شد با آ و روسایه گستر، با نام "حزب طبقه کارگر" و در سال های اخیر نیز این عشقان رهائی طبقه کارگر همچنان خط سرخ شهادت را دنبال کرده اند.

همراه با گرامی داشت یادشان، پیما ن می بندیم که جز آرمان کارگران و زحمتکشان هرگز هدفی دیگر را دنبال نکنیم.

- ★ فدائی شهید رفیق فاطمه (شمسی) نهانی ★ فدائی شهید رفیق یوسف زرکاری ★ فدائی شهید رفیق کاظم شهیدی ثالث
- ★ فدائی شهید رفیق فاطمه حسن پوراصلیل ★ فدائی شهید رفیق مسرور فرهنگ ★ فدائی شهید رفیق محمدرضا احمدی
- ★ فدائی شهید رفیق بهمن روحی آهنگران ★ فدائی شهید رفیق خدا بخش شالی ★ فدائی شهید رفیق حسن محمودیان
- ★ فدائی شهید رفیق مرتضی حاج شفیعیا ★ فدائی شهید رفیق فتح الله کریمی ★ فدائی شهید رفیق حسن نوروزی

آوارگان جنگ بدون بهره از کمترین امکانات رفاهی

جنگ غیر عادلانه دولت های ایران و عراق، بیش از سه ماه است توده های مردم و زحمتکش را زیر آتش توپ و خمپاره و راکت قرار داده است. هر روز دهها نفر از هموطنان ما کشته و زخمی میشوند، صدها خانواده، خانه خراب و آواره میشوند و در مقابل، دولت همچنان به "شرح فتوحات" خود در اعلامیه های ارتش میپردازد اما کوچکترین گامی در جهت تامین حداقل امکانات زندگی و وسایل رفاهی - آوارگان که در شهرهای مختلف پراکنده اند، بر نمیدارند؟

در اصفهان

حدود سه هزار نفر از جنگ زدگان شهر های خوزستان در خوابگاه دانشگاه صنعتی اصفهان سکونت دارند. در این خوابگاه به هر خانواده یک اتاق داده شده و به هر خانواده تعدادی پتوی سربازی داده اند، مثلاً به یک خانواده پنج نفری هفت پتو داده شده هم بعنوان زیرا اندازه و هم بعنوان روانداز. جنگ زدگان از رفتاری که با آنها میشود بسیار ناراحتند و میگویند با ما مثل اسیرها رفتار میشود مثلاً به هر نفر یک کاسه داده اند که موقع غذا باید به سلف سرویس پرودوکا سلف را پر کنند. آوارگان میگویند ما در این سرما حتی لباس کافی هم نمیدهند، مردم خیلی کمک میکنند اما مسئولین

سال نو مسیحی را به هم میهنان زحمتکش مسیحی تبریک می گوئیم

ایمان داریم که با اتحاد و همبستگی رزمندگان کارگران و زحمتکشان سراسر جهان قادر خواهیم بود به پیروزی های نوینی در مبارزه با امپریالیسم جهانی به سرگردگی آمریکادست یابیم.

اینجا فقط لباسهای کهنه را بیا میدهند، اعمال شیوه های پلیسی و جاسوسی. از جانب پاسداران خشم آوارگان را بر می انگیزد. پاسداران هر وقت بخوانند اتاق و وسایل جنگ زدگان را میگردند و اگر نشریه مترقی و انقلابی پیدا کنند صابش را با خود میبرند. به علاوه عواملی از خود را میان جمعیت بکار رگما رده اند تا هر کس ابراز نا رضایتی کرد گزارش بدهند.

در اهواز

دبیرستان های منوچهری و هفده دی اهواز محل سکونت آوارگان جنگی دیگر شهر های خوزستان است. این آوارگان از نظرا امکانات اولیه مثل چراغ، نفت پتو، قند و روغن و... در مضیقه هستند. زنی میگفت در این مدت کسی نیامده بما بگوید چراغ داریم یا نه، آ خر من با پنج بچه کوچک چکار کنم، چطور گرمشان کنم، چطور سیرشان کنم؟ ما در این کلاسهای سرد، حتی زیلوند داریم که روی زمین بنشینیم. مرد جوانی میگفت در این مدت حمام نتوانسته ایم بگیریم، بچه ها با پای برهنه و یک پیرهن با سر و صورت کشیف صبح را به شب و شب را به صبح میرسانند، خطر بیماری، از دیاد شیش و... بسیار زیاد است. دوزن خوان در پاسخ اینکه مگر تا بحال دولت به بقیه در صفحه ۱۵

حمله به نیروهای انقلابی را محکوم می کنیم

بدنبال حمله وحشیانه مهاجمین مسلح و وابسته به کمیته ها و سپاه پاسداران به دفتر "جامعه کارکنان مسلمان" واقع در خیابان مبارزان که در روز چهارشنبه سوم دیماه صورت گرفت و تا شامگاه بطول انجامید، حمید رضا رضائی یکی از هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران بشهادت رسید و دهها تن مجروح و مصدوم گردیدند.

این حمله، بیش از پیش وحشت رژیم جمهوری اسلامی ایران را از رشد روز افزون سازمانهای انقلابی و گسترش پایگاه توده ای آنها نشان میدهد.

هر روز شاهد حمله چماق داران و عوامل وابسته به پاندهای سیا به انقلابیون هستیم که روزنامه ها و نشریات سازمان های انقلابی را در اختیار توده ها قرار میدهند و توده ها را نسبت به واقعیات موجود و ماهیت رژیم جمهوری اسلامی آگاه می سازند.

تهاجم روز چهارشنبه گذشته نیز یکی از هزاران صحنه ای بود که هر روز شاهد آنیم. اما نکته قابل توجه آنکه در صحنه فاجعه، رژیم برای متفرق کردن مردمی که به حمایت از نیروهای انقلابی شتافته بودند به آژیر قرمز و اعلام وضعیت قرمز متوسل شد و هزاران گلوله ضد هوایی به هوا شلیک شد تا شاید توده های خشمگین را از حمله هوایی بترساند و از صحنه فاجعه متفرق سازد.

اما پاندهای مسلح، آژیرهای خطر و شلیک های هوایی، نه تنها مانع اعتراض توده ها نمی شود بلکه تنهاما هیت ضد مردمی رژیم جمهوری اسلامی را عریان تر خواهد ساخت.

نابود باد امپریالیسم جهانی بسرگردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه داخلیش